

**مقام معظم رهبری:**  
**انقلاب اسلام با**  
**اتکاء به قدرت**  
**مردم، آسیب**  
**ناپذیر است.**

**در گفت و گو با رحمت الله فیروزی پوز**  
**خطرناکترین غفلت در نظام مقدس جمهوری اسلام**  
**ایران، غفلت مسئولان نظام از نفوذ خواهد بود.**



## شناسنامه نشریه

ناظرین بر محتوا : دکتر اسدالله اطهری ، دکتر مختارنوری، دکتر حنان لهراسبی

صاحب امتیاز : بسیج دانشجویی دانشگاه علوم و تحقیقات

مدیر مسئول : علیرضا خانکی

سردبیر : امیرحسین کهندانی

مدیر اجرایی : حسین بادینلو

مشاور رسانه ای : احد اسنایی

دبیر هیات تحریریه : پرهام گودرزی

مدیر هنری : درسا دنیانورد

ویراستار : دکتر مجید رشیدیان ، علی باقرزاده

مترجم و ویراستار زبان انگلیسی : نسیم سحریان، مهدی ساروقی ، عماد الدین اکبری

نویسندگان :

مهدیه رضانی ، مرضیه پرورده

امیرحسین کهندانی ، محمدصادق داریوند

رادمهر رحمت نژاد، محمد حسین نیکبخت

محمد شاهی، امیرمهدی عابدی

# فهرست

- ۴..... سخن مدیر مسئول
- ۵..... مصاحبه
- ۸..... عدالت و قانون مداری

- ۱۱..... حقوق و آزادی های مدنی
- ۱۳..... ایران و آژانس بین المللی انرژی اتمی
- ۱۶..... مشارکت سیاسی کردها در سوریه
- ۱۹..... روابط دیپلماتیک تل آویو و رباط
- ۲۱..... خصوصی سازی؛ خوب یا بد؟ (روند موفق ترکیه)
- ۲۶..... بی اثر سازی تحریم ها (پالایشگاه)
- ۲۹..... زندگینامه شهید بهشتی
- ۳۰..... معرفی کتاب

## سخن مدیر مسؤل



علیرضا خانکی

دانشجوی علوم سیاسی

### بسم رب النور

۴ دهه از پیروزی بزرگ انقلاب اسلامی می گذرد و با وجود برخی کاستی ها در برخی از زمینه ها ، هنوز شعله های امید مردم عزیزمان به خاموشی سپرده نشده است. در این قسمت از ماهنامه سعی بر آن است که به مسائل مختلفی از جمله اقتصاد ، حقوق و سیاست پرداخته شود و بصورت موضوع محور ، در ماهنامه های آتی نیز به آن اشاراتی گردد.

امید است که در انتخابات آینده و فارغ از نگاه جناحی ، فردی شایسته توسط ملت سرافراز و بزرگوارمان بعنوان نماینده اصلی مردم ، سکان دار صندلی ریاست جمهوری گردیده و در این برهه زمانی و تلاطمی که توسط عناصر بیگانه و در برخی از موارد ، عناصر داخلی که بر وضعیت موجود دامن زده است به وجود آمده ، در تلاش کاهش این آشفتگی ها باشد و فارغ از منفعت های شخصی و گروهی در تکاپوی ساختن ایرانی سربلند به لطف و مدد خداوند متعال و نگاه حضرت ولی عصر عجل الله و تعالی فرجه الشریف باشد.

إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ  
(سوره رعد / آیه ۱۱)

**۱. بیش از چهل سال از انقلاب اسلامی ایران گذشته است. از نظر شما انقلاب اسلامی با وجود چالش‌ها و محدودیت‌ها تا چه اندازه ای به آرمان‌های خود رسیده است؟**

انقلاب اسلامی با وجود تمامی چالش‌ها و مشکلاتی که جهان غرب برای آن ایجاد کرده است، خوشبختانه توانسته به تمام آرمان‌های خود دست پیدا کند و از لحاظ فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی به تمام دنیا نفوذ پیدا کند و آرمان‌های انقلابی و اسلامی را گسترش دهد. انقلاب اسلامی با تکیه بر مکتب اصیل اسلامی و غیرت دینی جوانان توانست اغلب مردم دنیا به ویژه مسلمانان آزاده جهان را با خود همراه کند؛ به طوری که کشورهای مظلوم جهان با تمسک به بیداری اسلامی توانستند از انقلاب ایران الگو بردارند و مردم مظلوم خود را از ستمگری ستمکاران نجات دهند و این دستاورد مهم انقلاب اسلامی که توسط امام راحل شروع شد و پس از آن به دست با کفایت مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای ادامه پیدا کرد. وجود جوانان غیور و نهضت مقاومت ایران اسلامی خود دلیل دیگری بر این مدعا است.



### رحمت الله فیروزی پور

جناب آقای رحمت الله فیروزی پور نماینده محترم مجلس شورای اسلامی و عضو کمیسیون عمران مجلس.

متولد سال ۱۳۴۲ که از سال ۵۷ در تظاهرات و فعالیت‌های مذهبی و سیاسی فعالیت داشته و از ابتدای تاسیس حزب جمهوری اسلامی، عضو و از فعالین سیاسی آن دوره بوده است.

وی در سال ۱۳۶۰ با اخذ دیپلم وارد جهاد سازندگی شد و از سال ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۳ در آموزش و پرورش گردید.

حضور در اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاون مدیر کل و رییس فرودگاه‌های استان اصفهان، مدیر کل حراست سازمان هواپیمایی کشور و رییس هیات بدوی رسیدگی به تخلفات اداری کشور گوشه‌ای از کارنامه ایشان می‌باشد.

اکنون بیش از ۴ دهه از انقلاب اسلامی ایران می‌گذرد.

تلاطم دوران شما را به مطالعه گفت و گوی اختصاصی با جناب آقای رحمت الله فیروزی پور دعوت می‌نماید.

**۲. عدالت در سیره نبوی جایگاه والایی دارد، همچنین عدالت از آرمان‌های مهم انقلاب اسلامی بوده و هست، مقام معظم رهبری هم بارها به این موضوع اشاره کردند، از نظر شما جمهوری اسلامی تا چه حدی در اجرای عدالت موفق بوده است؟**

عدالت در مفاهیم فقهی و شرعی اسلامی به معنای وَضَع الشَّی فی ما وَضَعَ لَهُ است یعنی اینکه هر چیزی در جای خود قرار بگیرد به معنای عدالت است و مقام معظم رهبری حفظه الله همیشه با تکیه بر مفهوم ولای عدالت سعی بر این داشتند که این مهم در کشور اجرا شود و تمام مسائل بر این مبنا تحقق پیدا کند همانطور که ایشان فرمودند: عالم و جهان ورطه ستم به مظلومان است و جمهوری اسلامی ایران بعد از انقلاب اسلامی تنها کشوری است که در دنیا به عنوان کشوری معترض به این سیستم یعنی سیستم ظالم پروری کار خود را شروع کرده و اکنون با پرداخت هزینه‌های بسیار زیاد در صحنه‌های بین‌المللی و مقاومت، پیشتاز اجرای عدالت در دنیا است. کشور جمهوری اسلامی ایران با اهدای بیش از ۲۰۰ هزار شهید در جبهه‌های جنگ حق علیه باطل داعیه دار

این مفهوم است. گرچه با توجه به مفهوم عمیق و والای عدالت، اجرای آن در دنیا بسیار مشکل و سخت است اما ایران اسلامی توانسته است اجرای درست قوانین و احکام اسلام در کشور اسلامی و دنیای اسلامی در جهت تحقق عدالت قدم بردارد گرچه یک دست صدا ندارد و باید تمام آحاد ملت ایران اسلامی و جهان بر این مفهوم والا اعتقاد داشته باشند تا بتوان به این مهم دست پیدا کرد.

های مختلف انقلابی بوده است. راهپیمایی ۲۲ بهمن ماه که جشن پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ می باشد، یکی از ظرفیت های مهم و متعالی انقلاب اسلامی است که مردم با حضور پرشور خود هر ساله با آرمانهای انقلاب امام و رهبری مقام معظم رهبری تجدید میثاق می کنند. این حضور پرشور مشت محکمی بر دهان آمریکا جنایتکار و یاوه گویان دنیای غرب خواهد بود و با دلگرم کردن مسئولین این باعث تقویت ارزش های اسلامی-انقلابی و تقویت نقاط مثبت و کمرنگ کردن نقاط ضعف و یا برطرف کردن آن ها خواهد بود.

**۵. در این چهل سال دشمنان انقلاب اسلامی از هر راهی برای مایوس کردن مردم استفاده کرده اند بوش، اوباما و ترامپ رفتند اما جمهوری اسلامی همچنان به راه خود ادامه داد از نظر شما رمز مقاومت و ماندگاری در این راه چیست؟**

رمز ماندگاری انقلاب اسلامی؛ سرمایه های مردمی و اعتقادات دینی ملت ایران است. یکی دیگر از مهمترین سرمایه های تداوم آرمان های انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی به شمار می آید، هشت سال دفاع جانانه جوانان این مرز و بوم، ایثارگری رشادت ها و شهادت های جوانان ملت ایران اسلامی تضمین این مدعاست. اکنون نیز در تمام عرصه های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی و به ویژه علمی جوانان ایران اسلامی در دنیا حرف های بسیار زیادی برای گفتن دارند. پیشرفت های مختلف علمی ایران اسلامی در حوزه نانو، سلول های بنیادین، تجهیزات الکترونیک در حوزه دفاع زمینی هوایی و دریایی به خصوص پیشرفت های جوانان دانشمند ایرانی در حوزه هسته ای دلیلی بر این مدعاست. کشورهای غربی و به ویژه اسرائیل و آمریکا جنایتکار گرچه بارها و بارها با استفاده از وسایل مختلف از جمله ترور و ایجاد موانع دیگر بر این باور بودند که شاید بتوانند جلوی پیشرفت ها و تداوم ارزش ها و آرمان های انقلاب اسلامی را بگیرند اما خوشبختانه نتوانستند هیچ یک از این مقاصد شوم خود را عملی کنند و جوانان ایران اسلامی با تکیه بر دین مبین اسلام و رهبری بنیانگذار انقلاب اسلامی و ارشادات مقام معظم رهبری توانستن جوهره اصلی خود را به منصف ظهور برسانند و قدرت علمی و مذهبی و اعتقادی خود را به رخ جهانیان بکشاند. همه اینها دست به دست هم داده است تا ایران اسلامی امروز در دنیا یکی از ابرقدرت های سرمایه انسانی در جهان قلمداد گردد و به راحتی در تعیین مناسبات جهانی تاثیر مستمر و بسزا داشته باشد.

**۳. با توجه به اشاره مقام معظم رهبری مبنی بر غفلت از آرمان های انقلاب و مسیر انقلابی به نظر شما غفلت در چه زمینه هایی پررنگ تر است؟ و برای پیشگیری از وقوع دوباره این غفلت ها چه باید کرد؟**

خطرناکترین غفلت در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، غفلت مسئولان نظام از نفوذ خواهد بود. مقام معظم رهبری همیشه تاکید دارند باید مسئولان نظام آگاه، مدیر، مدبر و هوشیار نسبت به مسئله نفوذ فکر کنند و با کار حداکثری مراقب و مواظب باشند که دستان پلید آمریکا و ایادی غرب از منافع این کشور به دور باشد. مسئولان نظام با ساده زیستی و توجه به معیشت مردم و تقویت برنامه ریزی در حوزه اقتصاد به فکر مردم باشند و جلوی هرگونه نفوذ کشورهای استکباری در دستگاه های دولتی را بگیرند تا وضعیت اقتصادی سیاسی و اجتماعی مردم روز به روز بهتر شود. این تکلیف بر همه مسئولان خواهد بود.

**۴. حضور مردم در راهپیمایی ۲۲ بهمن چه تاثیری بر حفظ انقلاب داشته است؟**

دلیل اصلی پیروزی انقلاب اسلامی و تداوم آرمان های آن در این چهل و چند سال گذشته حضور پررنگ مردم در صحنه

**۶. همانطور که می دانیم مقام معظم رهبری در گام دوم انقلاب به فرصت های مادی کشور و همچنین به ظرفیت نیروی انسانی کشور توجه ویژه ای داشتند از نظر شما تا به امروز تا چه حد به این موارد توجه شده؟**

اساس پیشرفت انقلاب اسلامی در واقع توجه مقام معظم رهبری به سرمایه های انسانی و سرمایه های مادی این کشور بوده است به همین خاطر ایشان سال های متمادی را برای نام گذاری با توجه به اقتصاد نام گذاری کرده اند. امسال نیز که به نام سال جهش تولید نام گذاری شده است، خود یکی از نشانه های توجه ایشان به سرمایه های مادی و انسانی این کشور است. همان طور که در پاسخ به سوال های گذشته نیز بیان کردم انقلاب اسلامی با تکیه بر سرمایه انسانی و مادی خود و با رویکرد دینی و مذهبی و پیروی از مکتب اصیل اسلام و شیعه اثنای عشری اهداف خود را جلو برده و توانسته است علاوه بر اینکه با تکیه بر توان داخلی، وضعیت داخلی خود را سامان بخشد، این استعداد و این توان را به کشورهای جهان صادر کند و آنان را متوجه ظرفیت های داخلی و توانایی های خود کند و آنان را در مقابل استکبار جهانی بیدار تر از گذشته نماید.

**۷. یکی از مباحث مهم گام دوم انقلاب اسلامی، موضوع اقتصاد است. چرا با وجود تاکید مقام معظم رهبری بر حمایت از اقتصاد متکی بر توانایی های داخل هنوز شاهد ضعف شدید در این زمینه و تاکید بیشتر بعضی مسئولین بر اقتصاد متکی بر خارج هستیم و چرا حمایت های لازم از اقدامات مربوط به اقتصاد داخلی صورت نگرفته؟**

سال های متمادی این کشور تحت استعمار استکبار جهانی امثال آمریکا، انگلیس و سایر کشورهای غربی بوده است. پر واضح است که بازگرداندن ارزش های والای انسانی و تکیه بر اعتماد به نفس در مردم ایران کار بسیار دشواری است که انقلاب اسلامی با تکیه بر جوانان سرمایه انسانی و اعتقادات دینی این امر را با رهبری بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی شروع و به دست با کفایت مقام معظم رهبری ادامه داده است که همانطور که از پیشرفت های علمی و اقتصادی در این کشور شاهد هستیم خیلی از نقاط ضعف برطرف شده است اما باز هم همانطور که مقام معظم رهبری فرمودند نیاز به توجه بیشتر کار و همت بیشتر داریم تا این اعتماد به نفس مجدداً به روح کشور اسلامی ایران دمیده شود و آثار شومی که از رژیم منحوس و طاغوت گذشته و استکبار جهانی آمریکا مانده است بر طرف شود سیستم اداری و اقتصادی کشور ایران که به تبعیت از سیستم پوسیده و منحرف غرب در قبل از انقلاب پایه ریزی و برنامه ریزی شده بوده است می بایست پالایش و آرایش شود که انقلاب اسلامی تاکنون در این امر بسیار موفق بوده است و توانسته با تغییر بسیاری از ارکان اصلی برنامه ریزی و بودجه ریزی اقتصاد کشور را اصلاح کند. اکنون انقلاب اسلامی با برنامه ریزی دقیق و حساب شده و بودجه بندی مناسب در حوزه اقتصاد، قدم های بسیار موفقی را برداشته است که امید می رود در سایه توجهات حضرت ولی عصر عجل الله تعالی و فرجه الشریف و فرمایشات مقام معظم رهبری این مهم، سر و سامان بهتری نیز بگیرد.



## عدالت و قانون مداری

محمد صادق داریوند

کارشناسی حقوق



مضیق از متن قانون توسط برخی مسئولین، قانون، فقط عموم مردم را شامل می‌شود و انگار نه انگار که مسئولان باید در صف اول شمولیت قانون قرار بگیرند سپس مردم عادی جامعه! شهید مطهری در مقاله اصل عدل در اسلام خود، می‌فرماید:

«یک قانون خوب و عالی در درجه اول باید خوب تفسیر شود و در درجه دوم باید خوب اجرا شود. آنچه که موجب انحراف مسلمین از عدل اسلامی شد، بد تفسیر شدن عدالت بود!»

همین تبعیض در برابر قوانین است که سرمایه‌ی اجتماعی نظام اسلامی را تهدید می‌کند. پس ما برای چه انقلاب کردیم؟! انقلاب کردیم که بازهم شاهد تبعیض باشیم؟! مگر ما در قانون اساسی، عدالت را سرلوحه قرار ندادیم؟ پس مشکل کجاست؟ مشکل را در یک عبارت می‌توان خلاصه کرد: «انحراف مسئولان امر از اهداف و ارزش‌های انقلاب»

از مهم‌ترین اهداف و ارزش‌های انقلاب اسلامی، مبارزه با تبعیض‌ها و تحقق عدالت در جامعه بوده، هست و خواهد بود. شهید بهشتی در این باره می‌فرماید:

«بخش زیادی از مردم، محرومیت‌ها، تبعیض‌ها، ستم‌ها به ستوه آمده بودند و در راه از بین بردن این تبعیض‌ها و ستم‌ها به حرکت درآمدند. این صحیح است.»

## قانون مداری و عدالت خواهی در کلام شهیدان بهشتی و مطهری

بی‌تردید در تاریخ شهدای انقلاب اسلامی، کمتر کسی به اندازه شهیدان بهشتی و مطهری، به عنوان نظریه پرداز، دارای عظمت و جامعیت شخصیتی است. بی‌تردید بازخوانی و مراجعه دوباره به نظرات این دو شهید بزرگوار می‌تواند ما را در حل مشکلات و معضلاتی که امروز جامعه ما با آنها درگیر است، یاری کند. جامعه‌ی امروز ما، جامعه‌ای در جستجوی عدالت است. عدالت اقتصادی، عدالت اجتماعی، عدالت قانونی و... . عدالت اجتماعی آنگاه تحقق می‌یابد که عدالت قانونی و تساوی افراد در برابر قوانین حاصل شود.

یکی از مشکلات جامعه‌ی امروز ما این است که تساوی افراد در برابر قانون وجود ندارد. شهید مطهری در کتاب عدل الهی خود این نکته را گوشزد می‌کند که:

«تأثیر عوامل سه گانه پول، زور و پارتی در یک جامعه، نشانه‌ی ضعف و ناتوانی قانون در آن جامعه است.»

وقتی قانونی نوشته می‌شود دایره شمول آن باید همه‌ی افراد جامعه را در بر بگیرد اما متأسفانه با تفاسیر موسع و



در اسلام همه مردم در برابر کلیه قوانین و دستگاه‌های قانونی برابرند. هر کس از هر طبقه و دارای هر شغل و مقام و منصب باشد مشمول کلیه قوانین هست. قوانین اسلام و دستگاه‌های قضائی و اجرائی آن، شغل و مقام و مزایای فردی نمی‌شناسد. رئیس حکومت با یک فرد عادی، مالک عمده با کشاورز، کارفرمای بزرگ با کارگر ساده، عالم و جاهل، مرجع تقلید و مقلدین او، شاه و رعیت و.... همه در برابر قانون و مجریان آن یکسان‌اند. در دادگاه‌ها و سازمان‌های دیگر حکومتی حتی انجام تشریفات خاص برای اشخاص ممنوع است.<sup>۱</sup>

رحمت و رضوان خدا بر عمق بینش شهید مطهری. ایشان در کتاب آینده انقلاب اسلامی، یکی از عوامل تداوم انقلاب اسلامی را ادامه دادن مسیر عدالت خواهی و عدالت محوری در جامعه می‌دانند و در این باره می‌فرمایند: «این انقلاب آن وقت تداوم پیدا می‌کند که مسیر عدالت خواهی را برای همیشه ادامه بدهد یعنی دولت‌های آینده واقعاً و عملاً در مسیر عدالت خواهی گام بردارند، برای پر کردن شکاف‌های طبقاتی اقدام کند و تبعیض‌ها را واقعاً از بین ببرد و الا اگر عدالت فراموش شود، انقلاب شکست می‌خورد چون اصلاً ماهیت این انقلاب، ماهیت عدالت خواهانه بوده است!»<sup>۲</sup>

مشکل فعلی ما ناشی از لیبرال‌هایی است که متأسفانه از طریق نفوذ در لباس خودی درآمدند. کسانی که با ظاهر انقلابی مانند انگشتر و عطر و یقه بسته و ... ولی باطنی لیبرال، طرح‌های دشمنان این انقلاب را پیاده کردند!

امروز ما برای رسیدن به تساوی در برابر قانون که هم مردم و هم مسئولان به آن تمکین کنند، نیازمند آن هستیم تا افراد لیبرال و تفکر لیبرال حاکم بر سیستم اداره کشور را بزداییم. امروز تنها راه‌حل این مشکل بازگشت دوباره به قانون محوری که از ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب است، بازگشت به صدق و صفا و روحیه‌ی دهه‌شصت است و ایجاد حساسیت نسبت به رعایت قانون اساسی و مطالبه‌گری واقعی مردم از مسئولین نه مطالبه‌گری تصنعی!

اما نقش بنیادی متعلق به چه عاملی بود؟ این است که مهم است. زیربنا در این انقلاب چه بود؟ آیا زیربنا همان تلاش محرومان برای مبارزه با محروم‌کنندگان بود یا یکی از زیربنا تلاش مؤمنان برای مبارزه با کافران و ملحدان و منافقان بود؟ این مسئله جدی است. هر کس بخواهد جامعه ما و انقلاب ما را بدون توجه به این نکته مهم تحلیل کند خودش را گول زده؛ تاریخ که گول نمی‌خورد!<sup>۱</sup>

یکی از این انواع تبعیض‌ها، تبعیض در برابر قانون است. متأسفانه مسئولان یاد گرفته‌اند فقط قانون را برای مردم لازم‌الاتباع بدانند نه برای خودشان! شهید بهشتی در یکی از سخنرانی‌های خود این هشدار را به مسئولان می‌دهد که:

«مبادا رفتار من، وضع من، آمدو شد من، در مردم این شک و تردید را به وجود آورد که ای بابا! این‌ها هم وقتی به مقام و مسند اعمال ولایت و حکومت و اداره جامعه رسیدند، بو و رنگ طاغوتی پیدا کردند! اگر چنین شود، آن وقت خیانت و ضربتی را که ما به انقلاب و اسلام وارد کرده‌ایم از خیانت و ضربت دشمنان دیگر سنگین‌تر، و عقاب و عذاب و کیفر دنیا و آخرتش بر ما گران‌تر خواهد بود. روحانیت عزیز، علمای اسلام، در هر خدمتی هستید و هستیم، سخت مراقب این نکته باشیم.»<sup>۲</sup>

مگر مسئولان چه کسانی هستند؟ مگر نه مسئولان از همین مردم عادی هستند که به خاطر مقام و شخصیت حقوقی که تصاحب می‌کنند، مسئول می‌شوند؟ امروز درد مردم ما از تبعیض‌ها و بی‌عدالتی‌هاست! مسئولانی که باید در خط مقدم رعایت قانون باشند، اول کسانی هستند که قانون را رعایت نمی‌کنند! و زمانی که مردم این برخورد و استانداردهای دوگانه را مشاهده می‌کنند، احساس می‌کنند که انگار ما دو قانون داریم یک قانون برای مردم و یک قانون برای مسئولان درحالی‌که این مسئولان همان مردمان عادی قبل از گرفتن مقام و بعد از خلع از آن مقام هستند! شهید بهشتی سید شهدای انقلاب اسلامی در یکی از سخنرانی‌هایشان می‌فرمایند:

در پایان باید گفت راه ما باید راه بهشتی‌ها و مطهری‌ها و رجایی‌ها و باهنرها باشد. این شهدای برجسته و والامقام راه درست برای رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی را به ما و مسئولان نشان داده اند و امید است که ان شا الله مسئولان امر در هر دستگاه و جایگاهی، نسبت به رعایت حقوق اصلی مردم و توصیه های شهدای گران قدر انقلاب اسلامی، حساس و کوشا باشند.

- ۱ کتاب ولایت، رهبری و روحانیت صفحات ۲۷۴ و ۲۷۵
- ۲ کتاب ولایت، رهبری و روحانیت صفحات ۲۸۴ و ۲۸۵
- ۳ کتاب ولایت، رهبری و روحانیت صفحه ۳۷۵
- ۴ کتاب آینده انقلاب اسلامی صفحه ۹۴
- ۵ کتاب بیست گفتار صفحه ۳۲

شهید بهشتی درباره لزوم حساسیت مردم نسبت به قانون اساسی می‌فرمایند: «مردم عزیز ایران! کمترین بی‌اعتنایی به قانون اساسی‌تان را تحمل نکنید! در جامعه‌ای که به قانون اساسی مصوب خود آن ملت بی‌اعتنایی شود، این خطر وجود دارد که دیکتاتوری‌ها در شکل‌های جدیدش رخ بنماید و آزادی و استقلال و مردمی بودن نظام ما را به خطر افکند؛ باید دانست اجرای عدالت از راه عدالت خواهی و مطالبه‌گری صحیح به دست می‌آید. اگر مطالبه‌گری و عدالت خواهی، جنبه تصنعی و جنجال محوری که ناشی از بد تفسیر شدن عدالت است، پیدا کند مصیبتی بزرگ رخ خواهد داد. شهید مطهری این هشدار را می‌دهد که دو مصیبت از بد تفسیر شدن عدالت در تاریخ اسلام به وجود آمد:

۱ یکی مصیبت سوء نیت در اجرا و تنفیذ، که از همان اوایل در اثر قرار نگرفتن چرخ خلافت روی محور اصلی خود، به صورت تفضیل نژاد عرب بر غیر عرب و تفضیل قریش بر غیر قریش و به صورت آزاد گذاشتن دست عده‌ای در حقوق و اموال و محروم کردن عده دیگر پیش آمد و قیام علی (ع) در خلافت بیشتر برای مبارزه با این انحراف بود و بالاخره هم منجر به شهادتش شد و بعد هم در زمان معاویه و سایر خلفا شدت یافت. مصیبت دیگر از طرف عده‌ای قشری ماب و متعبد ماب وارد شد که روی یک سلسله افکار خشک، به یک نوع توضیح‌ها و تفسیرهای کج و معوج پرداختند که آثارش هنوز هم باقی است.<sup>۵</sup>



## حقوق و آزادی های مدنی

رادمهر رحمت نژاد

کارشناسی حقوق



همچنین در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز این موضوع مورد توجه ویژه ای قرار گرفته است. در ماده ۶ از بخش سوم این میثاق چنین آمده:

۱. " حق زندگی از حقوق ذاتی شخص انسان است. این حق باید به موجب قانون حمایت شود. هیچ فردی را نمی‌توان خودسرانه (بدون مجوز) از زندگی محروم کرد.

۲. در کشورهایی که مجازات اعدام لغو نشده، صدور حکم اعدام جایز نیست مگر در مورد مهمترین جنایات، طبق قانون لازم‌الاجرا در زمان ارتکاب جنایت، که آن هم نباید با مقررات این میثاق و کنوانسیون‌ها (۶) راجع به جلوگیری و مجازات جرم کشتار دسته جمعی (ژنوسید) منافات داشته باشد. اجرای این مجازات جایز نیست مگر به موجب حکم قطعی صادره از دادگاه صالح.

۳. در مواقعی که سلب حیات، تشکیل دهنده جرم کشتار دسته جمعی باشد. چنین معهود است که هیچ یک از مقررات این ماده، دولت‌های طرف این میثاق را مجاز نمی‌دارد که به هیچ نحو از هیچ یک از الزاماتی که به موجب مقررات کنوانسیون جلوگیری و مجازات جرم کشتار دسته جمعی (ژنوسید) تقبل شده، انحراف ورزند.

در نوشتار شماره قبل، عوامل مؤثر در شکل‌گیری حقوق سیاسی بیان شد و اشاره مختصری به تاریخچه آن داشتیم. مصداق‌های حقوق سیاسی و مدنی را احصاء و در نهایت جنبش‌های تاریخی که در راستای احیاء و بازیابی حقوق مدنی و سیاسی و مصداق آن دو بودند را برشمردیم.

اولین عنوان مهمی که در حقوق سیاسی با آن مواجه می‌شویم، حقوق و آزادی‌های مدنی است. حقوق و آزادی‌های مدنی، خود به دو شق قابل تقسیم.

شق اول، حق حیات، که به عنوان اساسی‌ترین حق بشری همواره مورد توجه مکاتب مختلف فکری و مذهبی، مخصوصاً ادیان توحیدی بوده است. و در این باره همواره دو مسئله مهم وجود دارد:

۱- مسئله سقط جنین

۲- مسئله اعدام

که سال‌هاست کشورهای مختلف دنیا، با دیدگاه‌ها و بینش‌های گوناگون با آنها دست‌به‌گریبانند. در موارد اولیه اعلامیه جهانی حقوق بشر، به حق حیات اشاره شده است.

شوق دوم، حقوق و آزادی‌های مدنی و حق امنیت است. در تعریف امنیت این‌چنین می‌توان گفت که حالت فراغت نسبی از تهدید یا حمله یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله است. حق امنیت انواعی دارد که شامل امنیت جان، امنیت خلوت، امنیت رفت و آمد و اقامت و امنیت از بازداشت‌های خودسرانه می‌شود.

ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر به ضروری‌ترین حق یعنی حق امنیت اشاره کرده است و می‌گوید: «هیچ‌کس نباید شکنجه شود یا تحت مجازات یا رفتاری ظالمانه، ضد انسانی یا تحقیرآمیز قرار گیرد.»

بدیهی است که رشد و پیشرفت هر جامعه ای در گرو رسیدن و حفظ حقوق و آزادی‌های مدنی است. اگر از ما بپرسند که در چه جهانی می‌توان انتظار تکامل و پیشرفت داشت، می‌بایست در پاسخ به این پرسش بگوییم: «در جهانی که جان، روح و آزادی انسان‌ها در آن از هرگونه خطر و یا تعرضی مصون مانده باشد.» آنچه در ظاهر مشخص است و در اسناد بین‌المللی همانطور که به آنها اشاره کردیم تبلور یافته است، یکی از مقاصد است که مجامع بین‌المللی آن را دنبال می‌کنند و آن، حفظ و حراست از حقوق مدنی انسان‌هاست. ناگفته نماند که صیانت از حقوق اولیه مدنی یک جنین (و نه یک انسان عاقل، بالغ و مختار) همچون حق حیات او، به قدری پیچیده و مشکل است که از کشورهای مدعی در این زمینه گرفته تا کشورهای کم بهره از حقوق بشر در این زمینه را با چالش‌های اساسی مواجه کرده است؛ و تا زمانی که این دسته از حقوق و آزادی‌ها تأمین نشوند، دست یافتن به مراتب والاتری از تکامل بشری بی‌معنا و حتی غیرممکن خواهد بود.

۴. هر محکوم به اعدامی حق خواهد داشت که درخواست عفو یا تخفیف مجازات بنماید عفو عمومی یا عفو فردی یا تخفیف مجازات اعدام در تمام موارد، ممکن است اعطا شود.

۵. حکم اعدام در مورد جرائم ارتكابی اشخاص کمتر از هیجده سال صادر نمی‌شود و در مورد زنان باردار قابل اجرا نیست.

۶. هیچ یک از مقررات این ماده برای تأخیر یا منع الغاء مجازات اعدام از طرف دولت‌های طرف این میثاق قابل استناد نیست.

ماده ۲ اعلامیه حقوق بشر اسلامی نیز به این موضوع اشاره کرده است و می‌گوید:

الف) زندگی موهبتی است الهی و حقی است که برای هر انسانی تضمین شده است، و بر همه افراد و جوامع و حکومت‌ها واجب است که از این حق حمایت نموده و در مقابل هر تجاوزی علیه آن ایستادگی کنند و کشتن هیچ کس بدون مجوز شرعی، جایز نیست.

ب) استفاده از وسیله ای که منجر به از بین بردن سرچشمه بشریت به طور کلی یا جزئی گردد، ممنوع است. ج) پاسداری از ادامه زندگی بشریت تا هر جایی که خداوند مشیت نماید، وظیفه ای شرعی است.

د) حرمت جنازه انسان باید حفظ شود و بی احترامی به آن جایز نیست کما اینکه لمس کردن آن جایز نیست مگر با مجوز شرعی. و حمایت از این امر بر عهده دولت است.



## ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

امیر حسین کهندانی

کارشناسی علوم سیاسی



محمد رضا شاه، سازمان انرژی اتمی ایران را در سال ۱۳۵۳ تاسیس کرد این شرکت با گسترش سریع، عهده دار تعهدات ساخت چهار نیروگاه در بوشهر و دارخوین، تامین سوخت و پشتیبانی از نیروگاه ها و قرار داد ساخت چهار نیروگاه دیگر در اصفهان و استان مرکزی شد و در همین راستا مذاکره با شرکت های آمریکایی، فرانسوی و آلمانی را برای احداث نیروگاه ها آغاز کرد. این اتفاقات و پیش بینی ها در زمانی اتفاق می افتاد که ایران با غرب روابط خوبی داشت و انرژی اتمی همچنان رشته ای پیشرو در فناوری غرب به شمار می آمد. سازمان برنامه و بودجه ایران نیز در یک برنامه ۲۰ ساله برای دوره زمانی ۱۳۵۲ تا سال ۱۳۷۲ از ضرورت تولید ۱۵ درصد برق مورد نیاز کشور از انرژی اتمی تا آخر این برنامه سخن می گفت. ایران در سال ۱۳۵۲ قرار داد دو جانبه پادمان (مراقبت و نظارت) آژانس را منعقد کرد و پذیرفت که طبق قرار داد این پادمان جامع، امکان بازرسی تاسیسات هسته ای را به فرستادگان آژانس بدهد. در این زمان یعنی در سال ۱۳۵۳ شاه با شرکت های زیادی قرار داد هایی برای تجهیز و پیشرفت برنامه اتمی ایران به امضا رساند که از مهم ترین این قرارداد ها می توان به قرارداد با آفریقای جنوبی اشاره کرد. با پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ماه سال ۱۳۵۷ این قرارداد ها ملغی شد و طبیعتاً کارشناس های غربی از ایران خارج شدند.

رابطه ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را باید در دو بستر زمانی مختلف بررسی کرد به این دلیل که رابطه ایران و آژانس بعد از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ دچار تحول شگرفی شد.

## ایران و آژانس قبل از انقلاب

سرآغاز تلاش ایران را برای دستیابی به فناوری هسته ای را می توان در سال ۱۳۳۵ دانست. در این سال موافقت نامه ۱۱ ماده ای میان ایران و ایالات متحده آمریکا درباره استفاده غیر نظامی از انرژی هسته ای به امضا رسید و پس از امضای موافقت نامه با ایالات متحده، ایران یک سال بعد در سال ۱۳۳۶ به عضویت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA) درآمد. در سال ۱۳۳۶ آمریکا اولین نیروگاه کوچک تحقیقاتی را به دانشگاه تهران هدیه کرد. پس از گذشت ۹ سال، پس از طرح الحاق ایران به کنوانسیون آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، اولین تیم حقوقی هسته ای ایران تشکیل شد و ایران در همان سال، این کنوانسیون را امضا کرد. بعد از گذشت مدتی ایران پیمان منع گسترش سلاح هسته ای (NPT) را پذیرفت و در سال ۱۳۴۸ آن را در مجلس شورای ملی به تصویب رساند.

## ایران و آژانس بعد از انقلاب اسلامی

بعد از انقلاب اسلامی روابط ایران و آژانس دچار تحول شگرفی شد. شرکت های اروپایی و آمریکایی از ایران خارج شدند و یک دوران جدیدی در روابط ایران و آژانس آغاز شد حدود ۱۰ سال بعد از انقلاب اسلامی، ایران قراردادی همکاری صلح آمیز برای توسعه انرژی هسته ای با اتحاد جماهیر شوروی و چین به امضا رساند و در سال ۱۳۷۱ این قرار داد توسط مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید. در همان سال ایران قراردادی با چین منعقد می کند و چین موظف می شود که دو نیروگاه در نزدیکی اهواز تاسیس کند.

در ادامه ایران خواستار افزایش همکاری ها با روسیه گردیده و شرکت زیمنس آلمان که حدود ۸۰ درصد از نیروگاه اتمی بوشهر را تکمیل کرده بود از ادامه کار انصراف می دهد و روسیه تکمیل آن نیروگاه را برعهده می گیرد.

از این زمان ایالات متحده آمریکا ایران را به تلاش برای دستیابی به سلاح هسته ای متهم می کند و تحریم های یک جانبه ای را به بهانه تلاش ایران برای دستیابی به سلاح هسته ای وضع کرد در همان سال بازرس های آژانس عدم اجرای معاهده منع و گسترش سلاح های هسته ای را توسط ایران اعلام کردند.

پس از این مذاکراتی میان ایران و کشورهای اروپایی شکل گرفت و موجب توافقنامه بروکسل شد ، بر اساس توافق نامه بروکسل ، ایران موظف به اجرای پروتکل الحاقی یا (نظام وسیعی از دسترسی های آژانس به سایت های هسته ای و یا مکان های مشکوک در هر زمانی توسط بازرس های آژانس) گردید. همچنین در این توافقنامه ایران موظف شد فعالیت های هسته ای خود را به تعلیق درآورده و طرف اروپایی نیز پرونده ایران را به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع ندهد. در سال ۱۳۸۳ مذاکره ای دیگر میان ایران و اروپا شکل گرفت که نتیجه آن متوقف کردن فعالیت هسته ای بود و طرف اروپایی هم در عوض، تعهد داد تا ایران در سازمان تجارت جهانی پذیرفته شود. بعد از مذاکراتی که ۲ سال به دلیل پایبند نبودن طرف اروپایی به توافق به طول انجامید ، ایران بار دیگر فعالیت صلح آمیز هسته ای خود را آغاز کرد. در سال ۱۳۸۴ فعالیت نیروگاه اصفهان بار دیگر آغاز گردید و ایران در این نیروگاه به غنی سازی پرداخت.

سال ۱۳۸۴ آژانس به ایران هشدار می دهد در صورتی که غنی سازی را متوقف نکند پرونده ایران به شورای امنیت می رود در همین زمان رئیس جمهور وقت ایران (محمود احمدی نژاد) طی سخنرانی در مشهد ، دستیابی ایران به چرخه کامل سوخت و غنی سازی را اعلام کرد.

اعضای شورای امنیت تلاش کردند تا درباره برنامه هسته ای ایران به توافق برسند و در نهایت تصمیم گرفتند پرونده انرژی هسته ای را در شورای امنیت رسیدگی کنند ؛ به همین دلیل شورای امنیت در سال ۲۰۰۶ قطعنامه ۱۶۹۶ را علیه برنامه هسته ای ایران به تصویب رساند. این اولین قطعنامه شورای امنیت علیه برنامه هسته ای جمهوری اسلامی ایران بود. آژانس با صدور این قطعنامه، نگرانی جدی خود را از برنامه هسته ای ایران اعلام کرد و از ایران خواست تا برنامه اتمی خود را تعلیق کند. ایران تعلیق فعالیت های هسته ای و غنی سازی را نپذیرفت و شورای امنیت سازمان ملل برای جلوگیری از ادامه برنامه هسته ای ایران قطعنامه ۱۷۴۷ را علیه برنامه هسته ای ایران به تصویب رساند. در این قطعنامه آژانس از برنامه هسته ای ایران به شدت ابراز نگرانی کرده و خواستار تعلیق برنامه هسته ای و راستی آزمایی آن توسط بازرسان آژانس می شود.

در این زمان شورای امنیت سازمان ملل تحریم هایی را علیه افراد و شرکت های ایرانی وضع کرد. در این شرایط ایران و آژانس به مذاکره پرداختند، پس از مذاکرات فشرده ایران اجازه بازدید از یکی از مراکز هسته ای را به بازرسان آژانس داد در واقع ایران و آژانس در بخشی از مسائل به توافق رسیدند سپس آژانس در سال ۲۰۰۷ صلح آمیز بدون فعالیت هسته ای ایران را تایید می کند اما شورای امنیت در سال ۲۰۰۸ قطعنامه ۱۸۰۳ را علیه برنامه هسته ای ایران تصویب کرد در این قطعنامه افراد زیادی که با برنامه هسته ای ایران ارتباط داشتند تحریم شدند و همچنین در این قطعنامه اقتصاد ایران هم مورد تحریم قرار گرفت و به نوعی تحریم های سازمان ملل علیه جمهوری اسلامی ایران گسترده تر شد این شرایط ادامه پیدا کرد شورای امنیت قطعنامه هایی برای تاکید بر اجرای قطعنامه پیشین صادر کرد، در سال ۲۰۱۰ قطعنامه ۱۹۲۹ را در شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه ایران به تصویب رساندند این قطعنامه را می توان گسترده ترین قطعنامه سازمان ملل در زمینه تحریم ها علیه ایران دانست.

ماده ۱۵ این پروتکل اشاره دارد به ایجاد یک نظام دقیق حفاظتی از اطلاعاتی که به وسیله اجرای این پروتکل به دست آمده است، در بخشی از گزارش سال ۲۰۱۵ شورای حکام می‌خوانیم: اطلاعات موجود در آژانس قبل از نوامبر ۲۰۱۱ نشان می‌داد، که ایران از طریق تعدادی ساختار مختلف مدیریتی، فعالیت‌هایی را برای حمایت از بعد نظامی برنامه هسته‌ای را تحت پوشش قرار داده است. بر اساس این اطلاعات فعالیت‌هایی در اواخر دهه ۱۹۸۰ در بخش مرکز تحقیقات فیزیک آغاز شد و بعد از مدتی این فعالیت‌ها در پوشش پروژه‌های آژانس، توسط محسن فخری زاده که در دفتر ارکید اداره می‌شد،

در سال ۲۰۰۳ این پروژه متوقف شد و بعد از گذشت چند سال، سازمان جدیدی به نام سازمان نوآوری تحقیقات دفاعی، توسط محسن فخری زاده تاسیس شد و سایت مؤده در نزدیکی دانشگاه مالک اشتر مقرر این سازمان می‌باشد. اطلاعات محرمانه و افراد محرمانه‌ای در این گزارش آمده است در حالی که خلاف قوانین پروتکل الحاقی و بند‌های آن می‌باشد. باید گفت روابط ایران و آژانس از سال ۱۳۳۵ تا به امروز تب و تاب زیادی داشته در قبل از انقلاب یک رابطه عادی را با آژانس داشته است اما با پیروزی انقلاب اسلامی وضعیت تغییر کرد و از اول انقلاب تا سال ۱۳۹۱ ایران و آژانس روابط پر تنش داشتند و بعد از آن هم با برنامه جامع اقدام مشترک، روابط ایران با آژانس تا حدودی بهبود پیدا کرد اما نگاه سیاسی این سازمان بین‌المللی را نمی‌توان نادیده گرفت.

## منابع

سازمان‌های بین‌المللی \_ رضا موسی زاده  
[www.iaea.org](http://www.iaea.org)  
 پروتکل الحاقی  
[www.dw.com](http://www.dw.com)

با تصویب این قطعنامه، ایران نباید هیچ سایت هسته‌ای جدیدی را تاسیس کند و باید هر گونه فعالیت هسته‌ای را متوقف کرده و همچنین این قرارداد ایران از هر گونه خرید یا فروش سلاح منع کرد. بعد از گذشت مدتی دولت در ایران تغییر کرد و حسن روحانی رئیس‌جمهور ایران شد. از تیم مذاکره‌کننده رئیس‌جمهور جدید می‌توان به محمد جواد ظریف، علی اکبر صالحی، حسین فریدون، عباس عراقچی و مجید تخت‌روانچی اشاره نمود.

بعد از گذشت تقریباً ۲ سال از روی کار آمدن دولت جدید ایران، توافق برجام (برنامه جامع اقدام مشترک) با اعضای ۱+۵ منعقد نمود. شرایط برنامه هسته‌ای از این سال تغییر زیادی کرد به طوری که بر اساس برنامه جامع اقدام مشترک فعالیت‌های ایران دچار محدودیت‌هایی و بعضاً تعلیق شد. بعد از گذشت سال‌ها مذاکره دولت ایران موفق نشد تا طرف غربی را متوجه صلح آمیز بودن برنامه هسته‌ای خود بکند یا البته شاید هم طرف غربی، علاقه‌ای به پذیرش این موضوع نداشت به این دلیل که بسیاری از قوانین آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای ایران اجرا نشد؛ برای مثال در اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اشاره شده است که آژانس برای دستیابی کشورها به انرژی صلح آمیز هسته‌ای تلاش کند و یا حتی تبادل اطلاعات دانشمندان را در راستای دسترسی به انرژی هسته‌ای تشویق کند.

با توجه به این قوانین ایران بارها بر صلح آمیز بودن فعالیت هسته‌ای خود تاکید داشته و حتی بازرسان آژانس هم در دوره‌های متعددی این ادعا را تایید کردند، می‌توان گفت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در برنامه هسته‌ای ایران برخورد فنی ندارد و یک برخورد سیاسی و جانب‌دارانه را در این مورد پیاده‌سازی می‌کند. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بخشی از قوانین پروتکل الحاقی (نظام وسیعی از دسترسی‌های آژانس به سایت‌های هسته‌ای و یا هر محلی که به آن مشکوک شوند در هر زمان توسط بازرسان آژانس) که بسیار مهم است را رعایت نمی‌کند.



## مشارکت سیاسی کردها در سوریه

مهديه رضاني، مرضيه پرورده

کارشناسی علوم سیاسی

تقاضا برای شناسایی، خواستار حق کنترل سیاسی و اداری برای مناطق کردنشین شده‌اند. اما در این میان پرسشی که در مورد وضعیت کردهای سوریه در شرایط فعلی و آینده آنها مطرح می‌شود این است که با توجه به مجموعه‌ای از پتانسیل‌ها و دشواری‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری کردهای سوریه کدام یک از گزینه‌های ادغام، خودمختاری و استقلال را در پیش دارند؟

در مورد پرسش مطرح شده می‌توان نقش عوامل مختلف را در سطح داخلی سوریه و جامعه کردنشین سوریه و همچنین عوامل منطقه‌ای و بین‌المللی را برای تعیین وضعیت و جایگاه کردها در شرایط کنونی و در آینده مهم ارزیابی کرد.

### تاریخ تحول کردهای سوریه

تا قبل از خروج انگلستان و فرانسه از سوریه در سال ۱۹۴۶ و در پی آن استقلال این کشور، روابط حسنه‌ای میان اعراب و کردها در این کشور وجود داشت. اما سوریه مستقل تحت حاکمیت بورژوازی عربی، ایدئولوژی «پان‌عربیسم» را در پیش گرفت و مانند همه کشورهای عربی از شناختن حقوق اقلیت‌های قومی و مذهبی سرباز زد.

در دو شماره پیشین به بررسی روند تاریخی مشارکت سیاسی کردها در عراق و ترکیه پرداختیم. در این شماره با ادامه روند قبلی، به بررسی روند تاریخی مشارکت سیاسی کردها در سوریه خواهیم پرداخت. اما از آنجا که حدود نیم قرن اخیر در سوریه نظام تک‌حزبی و شبه‌دیکتاتوری حاکم بوده است، داده‌های مربوط به مشارکت سیاسی کردها در این کشور چندان قابل توجه نبوده و عمدتاً به بعد از بحران سوریه و اصلاحات سیاسی در این کشور بازمی‌گردد. به این ترتیب، عمده اطلاعات ارائه شده در این شماره، پیرامون موضوع مورد بحث در سوریه، عمدتاً جنبه تاریخی-سیاسی داشته و یا با مسائل بعد از بحران سوریه ارتباط دارد.

مناطق کردنشین سوریه، در شمال و شمال شرقی این کشور است که بخشی از استان‌های حسکه، رقه و حلب را دربرمی‌گیرد. کردها بزرگترین گروه اقلیت نژادی در سوریه هستند. طبق آمار، جمعیت آنها کمتر از ۱۰ درصد جمعیت سوریه است. کردهای سوری همواره در سوریه تحت شدیدترین فشارها و سرکوب‌ها از سوی حکومت‌های مرکزی قرار داشتند اما شروع بحران داخلی در سوریه وضعیت جدیدی را برای کردهای ساکن این کشور ایجاد کرده است که آنان علاوه بر



با وجود تقاضای کردها برای شکل‌گیری یک موجودیت سیاسی در قالب خودمختاری و یا فدرالی، مجموعه‌ای از مقدمات سرزمینی، جمعیتی و حاکمیتی ضرورت تام دارد. نگاهی به وزن مؤلفه‌ها نشان می‌دهد که کردهای سوریه فاقد عناصر حیاتی این الگو هستند.

این کاستی‌ها را می‌توان در سه قالب داخلی، منطقه‌ای و بین الملل به این شرح برشمرد:

۱- کردهای سوریه در کنار ارتش، علوی‌ها، سنی‌ها و سلفی‌های بین‌الملل‌گرا فقط یک نیرو هستند که اتفاقاً با هیچ‌یک از نیروهای رقیب خود هم‌سنگ نیستند.

۲- پراکندگی جغرافیایی نواحی کردنشین در سوریه، مانع آن شده که بتوانند یک جامعه فرهنگی و نیروی سیاسی متمرکز را تشکیل دهند. واقعیت این است که دوری و مجزای بودن مناطق کردنشین، سبب دشواری زیاد برای ایجاد جامعه‌ای متحد توسط جناح‌های سیاسی کرد سوری شده است.

۳- موانع منطقه‌ای که مهم‌ترین هژمونی سیاسی-نظامی ترکیه در منطقه است؛ بدین معنا که شروع جنگ داخلی در سوریه و در پی آن تسلط کردها بر مناطق کردنشین و کنترل بر دستگاه‌های امنیتی و اداری این مناطق، موجب نگرانی دولت ترکیه شده است. در این میان، آنکارا به شدت از کنترل حزب اتحاد دموکراتیک به عنوان شاخه وابسته به پ.ک.ک بر مناطق کردنشین واهمه دارد؛ زیرا کنترل این حزب بر نواحی کردنشین که در نزدیکی مرزهای ترکیه هستند، می‌تواند زمینه‌های استقرار پ.ک.ک را در این مناطق فراهم آورد و در نتیجه جبهه و پایگاه جدیدی برای حملات گسترده‌تر پ.ک.ک به ترکیه گشوده شود.

۴- در عرصه بین‌المللی هم، پیدایش یک منطقه خودمختار جدید با تجزیه یک کشور، به شمار زیادی از شرایط حقوق بشری و عینی بستگی دارد.

مهم‌ترین اصل در این زمینه، منافع قدرت‌های مسلط بین المللی است. در حال حاضر فقط اسرائیل و اقلیم کردستان عراق هوادار تجزیه سوریه هستند.

در همان دوران، در کشور سوریه پس از کودتای ۱۹۵۴، سیاست تعریب (عربی کردن) برای ایجاد و رشد فرهنگ واحد عربی آغاز شد و بر عدم تأمین آزادی و حقوق شهروندان غیر عرب تأکید داشت. این روند تبعیض‌آمیز ادامه داشت تا اینکه در سال ۲۰۱۱ شروع بحران داخلی سوریه برگ جدیدی از تاریخ را برای کردها رقم زد. جامعه سوریه به دو بخش اساسی تقسیم شد که در یک طرف، نیروهای مخالف حکومت مرکزی و در طرف دیگر، نیروهای طرفدار حکومت مرکزی قرار دارند.

در همین راستا حکومت مرکزی سوریه تصمیم گرفت به شهروندان کرد سوری که چندین سال از داشتن شناسنامه و حقوق ابتدایی محروم بودند، شناسنامه و حقوق شهروندی اعطا کند. در این میان، حزب اتحاد دموکراتیک، مورد حمایت بی‌دریغ حکومت مرکزی قرار گرفت و سلاح و تجهیزات نظامی زیادی از سوی حکومت به این حزب داده شد. همچنین نیروهای ارتش سوریه از چند شهر کردنشین خارج شدند و حفاظت و اداره مراکز دولتی در این شهرها به نیروهای حزب اتحاد دموکراتیک سپرده شد و آنها سه کانتون جزیره، عفرین و کوبانی را تشکیل دادند.

همچنین همسویی میان حزب اتحاد دموکراتیک با دولت و ارتش سوریه به همکاری اقتصادی و فروش مشترک نفت منجر شد و در ادامه، شکست داعش در کوبانی با وجود محاصره این شهر، حمایت بین‌المللی و منطقه‌ای از جمله آمریکا و روسیه را به دنبال داشت-البته این حمایت‌ها موقت بودند و با آمدن ترامپ، بیشتر نیروهای آمریکایی از منطقه خارج شدند. کردهای سوریه از نظر سیاسی به دو بلوک اصلی تقسیم می‌شوند:

۱. حزب اتحاد دموکراتیک (پ.ی.د.)

۲. شورای میهنی کرد.

رقابت منطقه‌ای این دو گروه را می‌توان بین پ.ک.ک که حزب اتحاد دموکراتیک به آن وابسته است، و شورای ملی (میهنی) کرد (وابسته به حکومت اقلیم کردستان عراق) دانست. شورای میهنی کرد معتقد است پ.ی.د همانند پ.ک.ک حزبی تمامیت‌خواه است و اجازه فعالیت به هیچ یک از دیگر گروه‌های کردی نمی‌دهد و بیشتر به دنبال مبارزه با ترکیه است. از طرف دیگر پ.ی.د معتقد است که شورای میهنی کرد، تحت حمایت و مدیریت ترکیه در راستای منافع ترکیه عمل می‌کند و حتی در مقابل اشغال عفرین توسط سوریه سکوت کردند.

## نتیجه گیری

همچنین امکان تکرار الگوی اقلیم کردستان عراق، به همان دلایل تا حدود زیادی نامحتمل است. در مجموع، اکثریت مخالفان بشار اسد، به خصوص ترکیه، مخالف تجزیه ارضی و خودمختاری سیاسی-اداری کردها هستند و هرگونه کوشش منطقه‌ای و بین‌المللی برای تجزیه کردها را تصویب نخواهند کرد.

بنابراین به نظر می‌رسد روند حضور کردها در امور سیاسی باید به آرامی و با کسب سلسله مراتب حقوق شهروندی صورت بگیرد که این روند بعد از بحران سوریه و با اصلاحات سیاسی در قانون اساسی سوریه آغاز شده است.<sup>۱</sup>

با توجه به اینکه در طول نیم قرن اخیر اساساً در سوریه ساختار سیاسی به گونه‌ای نبوده است که امکان مشارکت هیچ قوم و گروهی به جز حزب بعث فراهم باشد، به نظر می‌رسد امکان بررسی مشارکت سیاسی هر قوم از جمله کردها چندان محلی از اعراب نخواهد داشت. بنابراین با بررسی شرایط موجود باید به فکر ارائه راهکارهایی برای ایجاد زیرساخت‌هایی جهت ایجاد امکان حضور و مشارکت سیاسی شهروندان سوری از اقوام و گروه‌های مختلف بود. زیرا همانطور که در متن اشاره شد، ساکنان کرد سوریه حتی از داشتن شناسنامه که نشان دهنده هویت سوری آنها باشد، محروم بودند؛ چه رسد به مشارکت سیاسی.

از طرفی، گروه‌های فعال سیاسی در بین کردهای سوریه اساساً فعالیت‌هایی عمدتاً معارض با دولت سوریه و حتی دولت‌های همسایه همچون ترکیه داشته‌اند؛ که این مسئله، مسیر مشارکت سیاسی کردها را با دشواری بیشتری همراه کرده است؛ زیرا با توجه به تحولات اخیر و نیز با توجه به وضعیت ژئوپلیتیک منطقه کردنشین سوریه و نیز جمعیت کم آن، به نظر می‌رسد استقلال کامل درمورد کردهای سوری منتفی است.

۱\_ نصری، قدیر؛ سلیمی، آرمان؛ کردهای سوریه: الگوی سنجش وزن اقلیت؛ روابط خارجی سال ششم تابستان ۱۳۹۳ شماره ۲

۲\_ مصطفوی، سید محسن؛ دهشیار، حسین؛ پیامد حضور داعش برای کردهای عراق و سوریه؛ جستارهای سیاسی معاصر سال دهم زمستان ۱۳۹۸ شماره ۴

۳\_ اخوان کاظمی، مسعود؛ اکبری، سمیرا؛ تارا، علیرضا؛ تحلیل مواضع روسیه در قبال کردهای سوریه پس از تحولات ۲۰۱۱؛ رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی سال نهم پاییز ۱۳۹۶ شماره ۱



## روابط دیپلماتیک تل آویو و رباط

محمد حسین نیکبخت

کارشناسی علوم سیاسی



### تل آویو و رباط : روابط کهنه

روابط مراکش و رژیم صهیونیستی از سابقه نسبتاً طولانی‌ای برخوردار است. حضور یهودیان در مراکش هم سابقه‌ای تاریخی دارد. اولین یهودیان حدوداً دو هزار و پانصد سال پیش با فنیقی‌ها پا به خاک مراکش گذاشتند. در قرن پانزدهم نیز یهودیان در فرار از تعقیب و آزار فردیناند دوم، پادشاه وقت اسپانیا، با طی کردن مدیترانه خود را به مراکش رساندند.

در جریان جنگ جهانی دوم، مراکش از جمله مقاصد بود که با توجه به نزدیکی به اروپا هزاران یهودی را، که از بیم قتل‌عام توسط نازی‌ها اروپا را ترک کرده بودند، پذیرفت. در آن زمان مراکش مستعمره فرانسه بود، ولی محمد پنجم، پادشاه وقت این منطقه، حاضر نشد به امضای قانون وضعیت فوق‌العاده با حکومت دست‌نشانده نازی‌ها در فرانسه تن بدهد و به این ترتیب مانع اعزام یهودیان پناهجو در مراکش به اردوگاه‌های نازی‌ها شد.

بعد از اینکه دونالد ترامپ پنجشنبه، ۲۰ آذر، در توئیت خود از عادی شدن روابط بین مراکش و رژیم صهیونیستی خبر داد، بسیاری از کشورهای اسلامی، گروه‌های مقاومت و حامیان فلسطین مانند اتفاق مشابهی که ماه‌های گذشته بین امارات، بحرین، سودان و رژیم صهیونیستی رخ داده بود، از این تصمیم انتقاد کردند و این توافق ننگین را خیانت به آرمان‌های فلسطین دانستند.

به نظر می‌رسد دونالد ترامپ در حالی که روزهای آخر ریاست‌جمهوری را می‌گذراند، تلاش می‌کند که پروژه به اصطلاح صلح کشورهای عربی و اسلامی با اسرائیل را تا جای ممکن پیش ببرد.

در حال حاضر مراکش با رژیم صهیونیستی روابط دیپلماتیک کامل برقرار کرده است و پروازها میان دو طرف، همانند پروازهای دبی به تل‌آویو، از سر گرفته شد. جراد کوشنر، مشاور ریاست‌جمهوری آمریکا، گفته است که اسرائیل دفاتر رابط خود را در رباط، پایتخت مراکش، بازگشایی می‌کند و مراکش نیز همین کار را در تل‌آویو انجام می‌دهد.

در عرصه فناوری‌ها و تبادلات کشاورزی نیز همکاری‌های بین رباط و تل‌آویو گسترده است. در حال حاضر سالانه حدود ۵۰ هزار یهودی از سراسر جهان به مراکش سفر می‌کنند. اکثر این افراد از سرزمین‌های اشغالی می‌آیند و هدف سفرشان هم دیدن خویشتاوند یا مراکز تاریخی یهودیان است. دست‌کم یک میلیون نفر از جمعیت سرزمین‌های اشغالی اصل و نسب مراکشی دارند.

## عادی‌سازی برخلاف اهداف خود حرکت خواهد کرد

برخی ناظران بین‌المللی و کارشناسان عقیده دارند این عادی‌سازی می‌تواند برخلاف هدف خود حرکت کرده و تنش‌های جدیدی را در خاورمیانه و شمال آفریقا با خود به همراه داشته باشد. به عقیده کریم مزران کارشناس مسائل خاورمیانه اعلام عادی‌سازی روابط بین مراکش و رژیم اسرائیل در ظاهر گام مثبتی در جهت کاهش تنش‌ها در منطقه خاورمیانه است اما با توجه به شرایط موجود این اقدام ممکن است منجر به درگیری جدیدی شود.

در این اظهار نظر که در وب‌سایت شورای آتلانتیک منتشر شده، مزران با اشاره به درگیری‌های بین مراکش و جبهه پولیساریو در صحرای غربی گفته است: در واقع، به رسمیت شناختن حاکمیت مراکش بر سرزمین صحرای غربی از سوی ترامپ، ممکن است با واکنش مسلحانه جبهه پولیساریو در صحرای غربی و الجزایر به عنوان حامی آن پاسخ داده شود.

اقدام اخیر در به رسمیت شناختن حاکمیت مراکش بر منطقه صحرای غربی، برخلاف انتظار نه تنها صلح را در شمال آفریقا و خاورمیانه به خطر می‌اندازد، بلکه جبهه‌بندی‌های جدیدی را در این منطقه شکل خواهد داد.

بعد از جنگ جهانی دوم و بعد از اینکه رژیم صهیونیستی اعلام موجودیت کرد، مراکش به طور رسمی و مانند سایر دولت‌های عربی و اسلامی در وضعیت جنگی با رژیم صهیونیستی به سر می‌برد. مهاجرت یهودیان از مراکش بعد از ۱۹۴۸ و اوج گرفتن احساسات ضدیهودی در مراکش شدت یافت و عده زیادی از یهودیان مراکش از این کشور مهاجرت کردند.

با این همه در زمان پادشاهی حسن دوم در مراکش اخباری مبنی بر ارتباط دولت این کشور با مقامات صهیونیست شنیده می‌شد.

در سال ۲۰۱۶ روزنامه تایمز اف اسرائیل گزارش داد که حسن دوم از عوامل موساد و شین‌بت (سازمان اطلاعات رژیم صهیونیستی) در کنفرانس اتحادیه عرب در ۱۹۶۵ در کازابلانکا دعوت کرده و این نقش مهمی در شکست های سنگین نظامی مصر، اردن و سوریه از سوی اسرائیل در جنگ شش روزه (۱۹۶۷) داشت.

در ۱۹۷۵ وقوع جنگ صحرای غربی، مراکش را بر آن داشت تا به دنبال کمک‌های سری و مخفیانه اطلاعات جاسوسی رژیم صهیونیستی باشد. حسن دوم در دیداری که در ۱۹۸۶ با شیمون پرز، نخست‌وزیر وقت رژیم صهیونیستی، در رباط داشت، تلاش کرد تا بن‌بست رابطه با رژیم صهیونیستی را بشکند، اما با واکنش و اعتراض اتحادیه عرب و مردم مراکش روبه‌رو شد. حسن دوم در نهایت مجبور شد از خواسته خود عقب‌نشینی کند. با وجود این، ارتباط حسن دوم با پرز ادامه داشت تا جایی که بعد از فوت حسن دوم در سال ۱۹۹۹، پرز با ارسال پیامی همدردی خود را اعلام کرد. پسر حسن دوم، محمد ششم، رویکرد پدر را حفظ کرد و پیوند پنهانی مراکش و رژیم صهیونیستی را زنده نگه داشت.

ایران‌هراسی برخی رژیم‌های دیکتاتور عربی باعث شد که مراکش هم تقویت روابط با رژیم صهیونیستی را به عنوان بخشی از سیاست خارجی خود در پی بگیرد.

برای مثال هم رژیم صهیونیستی و هم مراکش از جمله شرکت‌کنندگان کنفرانس ضد ایرانی ورشو در ۲۰۱۹ بودند و در ژانویه ۲۰۲۰ مراکش سه پهپاد از رژیم صهیونیستی به عنوان بخشی از معاملات تسلیحاتی ۴۸ میلیون دلاری با این رژیم دریافت کرد.



## خصوصی سازی؛ خوب یا بد؟ (روند موفق تر کیه)

محمد شاهی

کارشناسی علوم سیاسی

در ابتدا برای اینکه دیدگاهی کلی در مورد خصوصی سازی داشته باشیم، تعریفی کوتاه از آن ارائه می کنیم و سپس در مورد ریشه ها و تاریخچه آن صحبت می کنیم. در آغاز، تعریف خصوصی سازی عبارت است از «انتقال اموال و خدمات دولتی به بخش خصوصی»: اموال دولتی می توانند به بخش خصوصی فروخته شده باشند یا به صورت قانونی و با گذاشتن محدودیت هایی، با بخش خصوصی رقابت کنند. معمولاً هدف چنین سیاست هایی افزایش بهره وری دولت است که ممکن است اثری مثبت یا منفی بر درآمد عمومی دولت بگذارد.

ریشه های خصوصی سازی را می توان در اندیشه های لیبرال نئوکلاسیک و مکتب اقتصادی اتریش جستجو کرد. جایی که این مکاتب فکری، مخالف دخالت فراگیر دولت در اقتصاد بودند. از جمله مشهورترین اقتصاددانان پایبند و به نوعی مبلغ این سیاست در سال های آغازین حضورش در عرصه های سیاست گذاری، میلتون فریدمن، مشاور اقتصادی دولت رونالد ریگان است. او استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه شیکاگو و همچنین تئوریسین سیاست های اقتصادی-سیاسی ای بود که امروزه آن ها را با نام نئولیبرالیسم می شناسیم.

طی چند دهه ی اخیر، خصوصی سازی، نامی آشنا در زمینه ی اقتصاد سیاسی و سیاست گذاری دولت ها در این زمینه شده است. تمامی نام هایی که در این فضا مطرح می شوند، دچار کج فهمی ها و سوء برداشت های فراوان شده. طی چندین دهه ی اخیر، کتاب ها، مقالات و مستندات فراوانی در این زمینه تولید و عرضه شده اند؛ از جمله مشهورترین این کتاب ها می توان به کتاب «دکترین شوک»، نوشته نائومی کلاین - خبرنگار کانادایی - اشاره کرد که غالباً دیدگاهی منفی از خصوصی سازی ارائه می کند، اما در مجموع، این مبحث یکی از بحث برانگیزترین مسائل حوزه سیاست گذاری عمومی بوده که همچنان هم مورد بحث و مناقشه است.

ما سعی داریم که با توجه به برخورد تقریباً ۳۰ ساله سیاستمداران و سیاستگذارانمان با پدیده ی خصوصی سازی با دیدگاهی منصفانه و متعادل به بررسی تجربه های موفق و ناموفق و شکست خورده ی خصوصی سازی در سطح جهانی بپردازیم و سپس تجربه ی ایران از خصوصی سازی را مورد بررسی قرار دهیم.

این کنترل گسترده از سهم دولت در اقتصاد، موجب سایه انداختن سیاست‌های دولتی بر بقیه بخش‌های اقتصاد ترکیه شده بود. فرق بزرگ این سیستم با سوسیالیسم این است که همواره بخش خصوصی و مالکیت خصوصی محترم شمرده می‌شود، اما به دلیل نقش گسترده‌ی دولت بر عرصه‌های مختلف اقتصاد سهم زیادی از اقتصاد ندارد.

دولت ترکیه در سال ۱۹۶۳ سازمانی به نام سازمان برنامه ریزی دولتی تأسیس کرد که هدف آن هدایت و مدیریت بخش خصوصی برای بکارگیری این بخش در صنعت نفت و پتروشیمی بود.

این برنامه در ابتدا با موفقیت همراه شد، اما در ادامه موجب وابستگی ترکیه به صنایع نفتی شد. در سال‌های ۱۹۷۳ و ۱۹۷۴ شوک‌های قیمتی نفت و تعداد زیاد کارگران بخش‌های نفتی موجب بهم خوردن مازاد (درآمد) حساب‌های جاری شد. این بحران همراه با بی‌ثباتی وضع سیاسی موجب وخیم‌تر شدن اوضاع گردید و در نهایت بانک مرکزی به مسئله ورود کرد، اما ورود و دخالت بانک مرکزی و بقیه بخش‌های دولتی برای پاسخ به این بحران، کارساز نبود. بانک مرکزی تلاش کرد با سرمایه‌گذاری بیشتر در صنایع نفتی، این بخش را از بحران نجات دهد، اما این عمل کارساز نبود و باعث افزایش تورم و همزمان افزایش نگران‌کننده‌ی نرخ ارز شد. در سال ۱۹۷۷ به دلیل بی‌ثباتی سیاسی و وضعیت وخیم صنعت نفت، دولت ترکیه با یک بحران مالی تمام عیار روبه‌رو شد. تولید و عرضه نفت نیز با تداخل روبه‌رو شد و تورم حتی بیشتر رشد کرد. ترکیه با مشکلات بیشتری همچون افزایش نرخ بیکاری و کمبود ارزهای خارجی در بازارهای مالی روبه‌رو شد.

طی سال‌های ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۰ سلسله سیاستی برای ثبات بخشیدن به اوضاع، اجرا شد. برای مثال، طی سال‌های گذشته دولت به صنایعی که کالاهای صادراتی تولید می‌کردند، کمک‌های مالی و سوبسید اعطا می‌کرد اما طی این سال‌ها این سوبسیدها هدفمندتر شدند و به این نحو بخش‌های تولیدی توانستند توان خود را بازیابی کنند. اما در پایان دهه هفتاد میلادی بیشتر سیاستمداران نیاز به تغییری اساسی را احساس می‌کردند که این مهم با اتفاق نظر سیاسی و خروج نظامیان از سیاست ترکیه در دهه ۸۰ میلادی آغاز شد.

در اوایل دهه هشتاد، اکثر سیاستمداران بر این مورد که مجموع شرکت‌های دولتی کم بازده و حتی ضررده هستند، توافق کردند. بنابراین تصمیم به کاهش نقش دولت و شرکت‌های دولتی بر اقتصاد ترکیه شد.

این سیاست‌های نئولیبرالی به صورت گسترده در دهه هفتاد و هشتاد میلادی در کشورهای شیلی، تحت حاکمیت رژیم دیکتاتوری پینوشه و انگلستان با نخست وزیر مارگارت تاچر، و ایالات متحده آمریکا با ریاست جمهوری رونالد ریگان، به اجرا درآمد. برنامه‌هایی که تقریباً در سراسر دنیا گسترده شد و نه تنها راهی برای رهایی از تورم و رکود در کشورهای توسعه یافته بود، بلکه به عنوان راهی برای پیشرفت در کشورهای در حال توسعه یا توسعه نیافته مطرح شد.

در کشور ما نیز گسترده‌ی و مقبولیت نسبی سیاست‌های نئولیبرالی در سطح جهانی، همزمان با پایان جنگ و ریاست جمهوری آیت‌الله هاشمی رفسنجانی شد. در آن دوره سعی بز این شد که با اجرای سیاست‌های آزادسازی نرخ ارز و پایین بردن سطح بهره وام، بخش خصوصی به حرکت بیفتد. گرچه سیاست‌های خصوصی به معنایی که قبل‌تر تعریف کردیم، تا سال‌های آینده به صورت جدی در مملکت پیگیری نشد و تلاش‌های رسمی‌تر خصوصی‌سازی با تفسیر جدید شورای نگهبان از اصل ۴۴ قانون اساسی و ابلاغ سیاست‌های کلی رهبری در خصوص همان اصل تا سال ۱۳۸۴ صورت نگرفت و در سال ابتدایی دولت آقای احمدی نژاد در راستای سیاست‌های کلی نظام، سازمان خصوصی سازی تأسیس شد. از همان سال‌ها بود که روند خصوصی سازی در کشور به صورت جدی‌تر دنبال شد. روند خصوصی سازی در سال‌های بعد و تا امروز با انتقادات فراوانی روبه‌رو شده است. فساد و عدم شفافیت روند کار سازمان خصوصی‌سازی باعث ایجاد شک و شبهه‌های فراوانی در این است. ما می‌خواهیم در این مقاله نمونه‌های موفق خصوصی‌سازی در سطح منطقه و جهان را بررسی کنیم و برای این کار به عنوان اولین مورد، کشور ترکیه را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

داستان خصوصی‌سازی و اصلاحات ساختاری مالی و اقتصادی گسترده ترکیه از تقریباً شصت سال بعد از تشکیل جمهوری ترکیه، جایی که در دهه هشتاد میلادی نارضایتی‌ها از عملکرد صنایع دولتی ترکیه به اوج خود رسید. قبل از آن، سیستم و ساختار اقتصادی جمهوری ترکیه، «سرمایه داری دولتی» بود. تحت حاکمیت این سیستم تقریباً تمام زیرساخت‌ها شامل راه‌آهن، جاده‌ها و مسیرهای دریایی مسافری، تحت کنترل شرکت‌های دولتی بودند و همچنین خدماتی همچون آب، برق، آموزش و خدمات درمانی و بسیاری از صنایع مادر از جمله نفت و گاز و منابع طبیعی دیگر، تحت کنترل دولت بود.

سیاستمداران و سیاستگذاران ترک، نگران فشاری بودند که قیمت گذاری های SEE و انحصارهای دولتی در بازار بسیاری از کالاها بر بودجه و تورم وارد می کرد، بودند. این موارد و عدم موفقیت اصلاحات دهه هشتاد باعث انتخاب خصوصی سازی توسط تصمیم گیرندگان سیاسی-اقتصادی دولت ترکیه شد. البته مهم است که بدانیم چرا اصلاحات دهه ۸۰ در ترکیه حتی با اینکه انگیزه ی کافی برای آن ها توسط تصمیم گیرندگان وجود داشت، نتوانست تمام اهداف خود را تأمین کند. اهداف و معیارهایی که برای اصلاح در نظر گرفته شده بود شامل موارد زیر بود:

کاهش سهم در اقتصاد، کاهش انحصار، کاهش بار بودجه سالیانه و سازماندهی مجدد؛ به معنای تغییر مدیریت به نحوی که این بخش رقابتی تر و قیمت ها واقعی تر شوند و در مجموع، SEE سودده تر شود.

اما هیچ کدام از موارد بالا جز برای کاهش قدرت انحصار، به اندازه ای که نیت تصمیم گیرندگان بود، اجرا نشد. تصمیمات اکثراً به تعویق انداخته می شدند و یا با مقاومت مدیران SEE رو به رو می شدند. همچنین به دلیل نفوذ گروه هایی که از SEE سود می برند، روند اصلاحات اغلب کند یا نیمه تمام می ماند. در هر صورت مهمترین دلیلی که برای عدم موفقیت این اصلاحات ذکر شده، بالا به پایین بودن آن در ساختار بروکراسی عریض و طویل SEE است. چرا که اغلب این دستورات حتی قبل از اینکه به گوش مدیران میانی برسد فراموش می شدند و یا در کاغذبازی ها گم می شدند.

در طی سال ها از ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۰ اکثر بازیگران اقتصادی و سیاسی از اصلاحات و روند فرسایشی آن در SEE خسته شده بودند. همچنین عدم همپایی شرکت های SEE با تکنولوژی روز دنیا و عدم توان رقابت با شرکت های خصوصی موجب سنگین تر شدن بار SEE بر بودجه شده بود. بنا به همین دلایل، خصوصی سازی به مانند تنها راه موجود برای رهایی از وضع موجود تلقی می شد.

برنامه های اولیه خصوصی سازی به سال ۱۹۸۴ برمی گردند. جایی که برنامه های آزادسازی اقتصاد با محوریت خصوصی توسط دولت تبلیغ می شدند. همچنین موج جهانی نئولیبرالیسم در دهه ۸۰ به واسطه انگلستان تاچر و آمریکای ریگان، به کشورهای صنعتی اروپای غربی و بقیه جهان صنعتی رسیده بود و تأثیر بزرگی بر این سیاست های آزادسازی اقتصاد گذاشتند.

این اصلاحات که از ترس تکرار بحران ۱۹۷۷ اتخاذ شده بودند، به صورت گسترده نقش دولت در قوانین تجاری و قیمت گذاری را کاهش دادند. در این رشته، تغییراتی که نسبت به زمانی که اتخاذ شدند، شدید می نمود، باعث اعتماد بیشتر به عوامل بازار شد و آزادسازی قیمت ها در بسیاری از بازارهای کالاها ی تجاری اجرا شد. همچنین کاهش تعرفه ها بر بسیاری از کالاها باعث آزادتر شدن جریان بازارهای تجاری شد. تاثیر این سیاست ها شگفت انگیز بود: از سال ۱۹۸۸ که نرخ رشد ملی ترکیه ۱/۱- بود، به نرخ ۶+ در سال ۱۹۸۴ رسید.

در آغاز دهه هشتاد میلادی، ناکارآمدی شرکت های دولتی بر همگان واضح بود. در آن روزها بدهی دولت ترکیه به اندازه ی ۳/۱۰ درصد درآمد ناخالص ملی اش بود که سهم ۴/۶ درصدی از آن داشت. عملکرد نامناسب، به خاطر ناکارآمدی داخلی و بیشتر از آن، طعمه بازی های سیاسی شدن بود. ساخت وسازهایی که دولت به آن تحمیل می کرد، هزینه هایی که صرفه اقتصادی نداشتند و بیشتر برای جلب رضایت عامه مردم بودند، باعث ناکارآمدی و تحمیل فشار مجموع شرکت های دولتی بر اقتصاد ترکیه شدند اما اصلاحات اقتصادی آغازین دهه هشتاد، موجب شد تا وضعیت مالی بهتر شود. عمده این بهبود عملکرد به خاطر آزادسازی قیمت ها و افزایش آن ها بود؛ علاوه بر این بهبود، در سال ۱۹۸۹ در پی توافق با سندیکا و اتحادیه های کارگری، به رشد ۱۴۳ درصدی دستمزدها منجر شد که تقریباً دو برابر تورم سالانه بود.

در اواخر دهه ۸۰، نارضایتی ها دوباره شروع به افزایش کرد و در واقع بهبود عملکرد در اوایل دهه ۸۰ بسیاری را راضی نکرده بود. علاوه بر این، همچنان مشکلات قبلی خودش، یعنی داشتن کارمند و کارگر بیش از اندازه نیاز واقعی و هدف بازی های سیاسی قرار گرفتن را داشت. همچنین در اوایل دهه ۹۰ میلادی، ترکیه دچار بحران مالی بزرگی شد که باعث کاهش سرمایه گذاری های بانک مرکزی در SEE شد که خود منجر به بروز مشکلاتی در این شرکت های دولتی شد. با آغاز رشد دوباره قیمت ها در سال ۱۹۹۰ و ۱۹۹۱ به خاطر بحران مالی و قیمت گذاری های SEE، زمان تصمیم گیری نهایی در این مورد رسیده بود. دولت ترکیه دو راه داشت: اول اینکه ادامه دهنده راه سیاستگذاران دهه ۸۰ با انجام اصلاحات بیشتر و تغییر ساختاری و مدیریتی شرکت های دولتی باشد و دوم، بحث خصوصی سازی.

جدا از دلایل ایدئولوژیک در خصوصی سازی، SEE اهداف دیگری از جمله افزایش کارآمدی و تخصیص بهتر منابع موجود بازار را دنبال می کرد. بنا بر دیدگاه سیاست گذاران آن روز ترکیه بنگاه هایی که بر اساس سود شخصی و منفعت خود شرکت و نه کل جامعه اداره می شوند، می توانند منابع موجود را به صرفه تر و بهینه تر از یک شرکت دولتی بزرگ با دستگاه بوروکراتیک، استفاده و پخش کنند. همچنین اینطور تصور می شد که به خاطر در میان بودن سود شخصی، خلاقیت و رقابت پذیری به بالاترین حد خود می رسد و هم جامعه و هم فرد سود می برند.

برنامه های ابتدایی خصوصی سازی در ترکیه به این صورت مطرح شد که شرکت های دولتی را در قالب شرکت های سهامی به بازار بورس عرضه کنند تا بتوانند سرمایه گذار و خریدار برای شرکت های دولتی پیدا کنند، اما مشکل این راه چنین بود که نفوذ دولت و مدیران اغلب فاسد دولتی همچنان بر شرکت ها باقی می ماند، چرا که هیئت مدیره شرکت های دولتی طی چنین برنامه ای همچنان از سمت دولت انتخاب می شدند. در نهایت تصمیم گرفته شد تا علاوه بر فروش سهم، حق انتخاب مدیران نیز تا حدی در حیطه ی اختیارات سهامداران خصوصی باشد.

اولین مرحله خصوصی سازی در ترکیه در ۱۹۸۴ اجرا شد. هدف این مرحله نه کاملاً واگذاری شرکت های دولتی (SEES)، بلکه شریک شدن مالکیت آن ها با مردم عادی بود. طبق برنامه ریزی های صورت گرفته شده، جامعه هدف برای فروش هر شرکت متفاوت بود. برای شرکت هایی که کالاهایی با کاربرد داخلی داشتند و جزو کالاهای سرمایه ای بودند، کارگزارانشان و سرمایه گذاران داخلی گروه هدف اصلی بودند؛ و برای شرکت هایی که کالاهایی معمولاً صادراتی داشتند، جامعه هدف، سرمایه گذاران خارجی بودند.

دوره های اولیه خصوصی سازی برای دولت کارساز شد. همچنین باعث افزایش کارآمدی و رقابتی تر شدن شرکت هایی که سهامشان در بازار بورس عرضه شده بود، شد و همین موجب بازدهی بهتر و کاهش فشار SEE بر بودجه شده بود.

در مرحله ی بعدی خصوصی سازی، دولت از بانک جهانی برای کمک و راهنمایی دعوت کرد. بانک جهانی یک برنامه ی جامع برای خصوصی سازی بخش های مهم اقتصاد ترکیه از جمله صنعت نساجی و مواد شیمیایی طراحی کرد، اما این طرح ها هیچ گاه عملی نشدند چرا که دولت تصور می کرد این برنامه با واقعیت های جامعه و اقتصاد ترکیه مطابقت ندارد.

پس از شریک کردن بخش خصوصی در پروژه مدیریت شرکت های دولتی در ترکیه، اولین آزمایش خصوصی سازی برای یک شرکت حوزه ی برق انجام شد. برنامه به این صورت بود که تمام سهام شرکت برق محلی در بازارهای سهام کوچک و توسط بانک های کوچک در آنکارا فروخته شد اما به دلیل خوب نبودن اوضاع این بازارهای مالی، ارزش سهام های این شرکت تقریباً نصف شد.

اما دولت به این برنامه ادامه داد و سعی کرد شرکت های محلی و کوچک و حتی شرکت های بزرگ با روش فروش بسته های بزرگ سهام بفروشند اما این برنامه دچار شکست شد و برنامه های خصوصی سازی از سمت مردم و پارلمان مورد تهدید قرار گرفت.

دولت سعی کرد برای رهایی از فشارهای سیاسی، استراتژی فروش را عوض کند و به جای فروش یکجای سهام، در مدت زمان کوتاه تری آن را به قسمت های کوچکتر تقسیم کند و در بازار سهام بفروشد.

همچنین استراتژی های دیگری همچون بازرسی بعد از فروش و در نظر گرفتن وام هایی با بهره پایین برای صاحبان شرکت های دولتی خریداری شده، نقش مهمی در سرعت بخشیدن به خصوصی سازی و بهبود عملکرد آن داشت. اما چیزی که تأثیر عظیمی را بر بهبود روند خصوصی سازی ها داشت، تشکیل گروه هایی برای آشنا کردن خریداران با وضعیت شرکت ها و بازار و همچنین تحقیق در مورد ظرفیت های آینده شرکت و مشاوره به صاحبان جدید شرکت های دولتی بود. با این شرایط، همزمان جذابیت شرکت های دولتی برای سرمایه گذاران داخلی بیشتر شده بود و موجب پیوستن سریع این شرکت ها به بازار می شد.



بررسی تجربه موفق خصوصی سازی در ترکیه به ما نشان می دهد که خصوصی سازی امری ساده و سریع نیست بلکه امری پیچیده و زمان بر است. ترکیه از ۱۹۸۴ برنامه های خصوصی سازی خود را آغاز کرد و اولین بار در سال ۱۹۹۰ و بعد از آن توانست نتایج چشمگیر مثبت آن را ببیند. همچنین همکاری با سازمان های بین المللی و نهادهای مالی بین المللی همچون بانک جهانی، تأثیر مهمی بر این تجربه ی موفق داشتند که به ما نقش مهم استفاده از تجربیات جهانی را نشان می دهد. این موارد می توانند در نهایت ما را به نقاط قوت و ضعفمان در خصوصی سازی ایرانی آگاه کند تا بتوانیم این برنامه ی «مردمی کردن» اقتصاد را بهتر و با اعتماد بیشتر مردم و فضای عمومی اجرا کنیم.

آزادسازی اقتصاد ترکیه که از دهه هشتاد آغاز شده بود، ترکیبی از سیاست های خصوصی سازی و رهاسازی قیمت ها و کاهش تعرفه ها و اصلاح نظام بانکی و سیستم پولی بود، تأثیر عظیمی بر اقتصاد ترکیه گذاشت و موجب رشد درآمد ناخالص داخلی و درآمد سرانه داخلی شد.

حال با توجه به تجربه خصوصی سازی در ترکیه می توان گفت که در ابتدا اینکه تأثیر خصوصی سازی بدون آزادسازی سراسری اقتصاد تأثیر چندانی ندارد، همانطور که خواندیم، خصوصی سازی تنها بخشی از یک سیاست عمومی بزرگتری به نام آزادسازی اقتصاد است. همچنین بدون برنامه ریزی دقیق و داشتن پشتیبانی قانونی، خصوصی سازی خیلی زود درگیر بازی های سیاسی می شود.



## بی اثر سازی تحریم‌ها (پالایشگاه)

امیر مهدی عابدی

کارشناسی علوم سیاسی



### تفاوت‌های نفت خام و فرآورده‌های نفتی در تجارت و تحریم پذیری:

با توجه به صادرات نفت خام که در محموله‌های بسیار بزرگ (بعضاً ۲ تا ۳ میلیون بشکه) صورت می‌گیرد، این امکان برای آمریکا به وجود می‌آید که نفت‌کش‌های حامل نفت ایران را مورد رصد قرار دهد، و علاوه بر رهگیری نفت‌کش‌ها همچنان امکان تحریم مجدد بیمه محموله‌های نفتی و همچنین تحریم بانکرینگ، همچون دوران قبلی تحریم برای دولت آمریکا وجود دارد.

به غیر از پتانسیل‌های تحریمی ایران، کیفیت و خواص شیمیایی و فیزیکی نفت خام ایران نیز تقریباً مشخص است و در نتیجه ادعا می‌شود که امکان شناسایی آن از این طریق وجود دارد.

از طرف دیگر، مقاصد صادراتی ایران نیز محدودند، به نحوی که ایران در حال حاضر سهم عمده نفت صادراتی خود را تنها به ۴۰ پالایشگاه در چند کشور از جمله چین، هند، کره جنوبی، ژاپن، ترکیه، ایتالیا، فرانسه، اسپانیا، یونان و آفریقای جنوبی صادر می‌کند. مقاصد و خریداران محدود، امکان تحریم نفتی را آسان‌تر می‌کنند.

صادرات نفت خام ایران در سال ۱۳۹۰-۱۳۹۱ به بیش از نصف کاهش یافت و کشور را با مشکلات اقتصادی همچون کمبود ارز در داخل کشور و کمبود بودجه جاری دولت مواجه کرد. با بازگشت تحریم‌های نفتی از آبان ۹۷ این احتمال وجود دارد که شرایطی مشابه اوایل دهه ۹۰ تکرار شود. در دوران تحریم قبلی طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ میزان صادرات نفت و میعانات گازی به طور متوسط از ۲.۵ میلیون بشکه در روز به یک میلیون و دویست هزار بشکه در روز کاهش یافت.

میزان تولید نفت خام و میعانات گازی و میزان پالایش نفت خام طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ این کاهش صادرات نفت و میعانات گازی با توجه به وابستگی شدید بودجه جاری دولت به درآمدهای نفتی، مشکلاتی را طی آن سال‌ها برای کشور ایجاد کرد که شایسته است یک راه‌حل اصولی و بلندمدت برای خنثی‌سازی تحریم‌های گاه و بی‌گاه آمریکا اتخاذ شود. این راه‌حل «پالایش و فرآوری» نفت خام و شکستن تک‌محصولی نفت به صدها محصول پالایشی و پتروشیمیایی است که از نظر حجم صادراتی و نحوه تجارت، تفاوت‌های زیادی با نفت خام دارند.

## صادرات فراورده‌های نفتی به جای نفت، راه حل اصلی بی‌اثر کردن تحریم

در شرایط تحریمی پیش رو، ایران دو راهکار بلندمدت و کوتاه‌مدت جهت بی‌اثر کردن تحریم‌های نفتی دارد. راهکار کوتاه مدت، عرضه نفت در بورس و فروش نفت توسط بخش خصوصی است. راهکار بلندمدت، پالایش و فرآوری نفت خام است. در راهکار بلندمدت، وزارت نفت می‌بایست به دنبال توسعه زنجیره ارزش در حوزه محصولات نفتی باشد و به سمتی حرکت کند که به جای فروش نفت خام، کالاهای نهایی، تولید و صادر نماید.

یکی از ویژگی‌های فرآورش نفت خام و تبدیل آن به زنجیره متنوعی از فرآورده‌های نفتی، این موضوع است که صادرات بخش زیادی از فرآورده‌ها از طریق خودروهای سنگین، خط لوله و نهایتاً کشتی به کشورهای همسایه صورت می‌گیرد. این شکل از صادرات را می‌توان «توزیع از طریق شبکه مویرگی» نامید.

لازم به ذکر است که با فراوری نفت خام و تبدیل آن به فرآورده‌های نفتی، تنوع محصولات تولیدی و متعاقباً تعداد و تنوع مشتری‌های جهانی نیز افزایش می‌یابد. تنوع مشتری‌های خارجی ایران مزایای زیادی دارد؛ یکی از این مزایا از بین رفتن محدودیت‌های فروش نفت به چند کشور خاص است. این احتمال وجود دارد که چند کشوری که خریداران نفت ایران بودند، در صورت بازگشت تحریم‌های نفتی ایران میزان واردات خود را کاهش دهند، اما این امر با فروش فرآورده‌های نفتی به مشتری‌های متنوع و فراوان بی‌اثر می‌گردد.

## عدم تمایل دولت‌ها در توسعه صنعت پالایشی

دولت‌ها به دلیل سود بالایی که در صنعت بالادستی نفت به معنای استخراج نفت و خام فروشی آن به عنوان انفال کشور وجود دارد، علاقه‌ای به درگیر کردن خود در صنعت پایین دستی ندارند. خام فروشی نفت به دلیل فروش اصل سرمایه کشور، از نقد پذیری بالا و کم در دسری برخوردار است.

در مقابل، سود صنایع پایین دستی یعنی صنایع پالایش و پتروشیمی ناشی از انجام خدمت و تبدیل به نفت است و در این صنایع، ماده سرمایه‌ای به یک ماده با ارزش افزوده بالاتر تبدیل می‌شود و از حاشیه سود پایین‌تری برخوردار است. همین عامل موجب غفلت ایران از صنایع پایین دستی نفت شده است.

یکی دیگر از موانع در ارتقاء و همچنین افزایش ظرفیت پالایشی کشور، واگذاری پالایشگاه‌های موجود و همچنین واگذاری وظیفه توسعه و ساخت پالایشگاه‌های جدید به بخش خصوصی، بدون حمایت‌های تنظیم‌گرایانه و تسهیل‌گرایانه از سمت دولت بوده است. با توجه به وجود طرح‌های پالایشی زیاد در کشور که هیچ کدام از مرحله تسطیح زمین و نرده‌کشی فراتر نرفته‌اند، می‌توان مهمترین علت عدم توسعه این صنعت را «کمبود منابع مالی بخش خصوصی» دانست.

## توسعه صنعت پالایش و پتروپالایشگاه‌ها، معتل جذب فاینانس خارجی

تأمین مالی از طریق صندوق توسعه ملی و تأمین مالی از طریق جذب فاینانس خارجی، دو راهکار دیگر برای تأمین مالی پروژه‌های صنعت پالایش کشور است. اخذ وام صندوق توسعه ملی به دلیل صف طولانی درخواست‌کنندگان و همچنین عدم پرداخت تمامی نیاز مالی پروژه از سوی این صندوق، مسیر مناسبی برای تأمین مالی پروژه‌های ایجاد و توسعه پالایشگاهی نبوده و نیست.

فاینانس یا تسهیلات خارجی، راهکار دوم برای تأمین مالی این پروژه‌ها است که در این روش، کشورهای خارجی عمدتاً ضمانت دولت ایران را از شرکت‌های خصوصی می‌خواهند، دولت هم طبیعتاً حاضر نیست به شرکت‌های بخش خصوصی ضمانت دولتی اعطا کند، به همین دلیل در مورد جذب فاینانس برای ایجاد و توسعه پالایشگاه‌ها در چند سال اخیر، هیچ‌کدام با موفقیت همراه نبوده و جذب فاینانس در حد تفاهم‌نامه و رایزنی باقی مانده است.

با توجه به عدم تلاش حاکمیت جهت تأمین مالی صنعت پالایش، عدم کفایت سرمایه صندوق توسعه ملی و همچنین عدم تحقق فاینانس‌های خارجی برای توسعه این صنعت، مجلس شورای اسلامی «سرمایه‌گذاری مردمی» را برای توسعه صنعت پالایشی پیشنهاد کرده است.

در این طرح برای جذب سرمایه‌های مردمی، پیشنهاد تنفس خوراک به مدت یک سال داده شده است. در سال نخست پس از بهره‌برداری از مجتمع پالایشی با تنفس خوراک از سوی وزارت نفت، هزینه سرمایه (سود سرمایه گذاری) میان مردم و سرمایه‌گذاران تقسیم می‌گردد. این در حالی است که مردم و سرمایه‌گذاران علاوه بر دریافت سود سرمایه‌گذاری خود از طریق تنفس خوراک یک‌ساله، سهام‌دار مجتمع پالایشی نیز هستند.

لازم به ذکر است که پول حاصل از تنفس خوراک (طلب دولت) که در سال نخست جهت جذاب شدن پروژه در اختیار مردم و سرمایه‌گذاران قرار گرفته است، به عنوان یک وام ۱۲ ساله با نرخ سود ۴ درصد ارزی تقسیط و از سود حاصل از پالایشگاه به دولت و صندوق توسعه ملی بازپرداخت می‌شود.

### منبع

بیانات دکتر سعید جلیلی (دولت سایه) (drjalily.com)  
سایت وزارت نفت  
سایت مجلس شورای اسلامی

در حال حاضر میزان نقدینگی به ۱۶۰۰ هزار میلیارد تومان رسیده و بخش عظیمی از آن در حساب‌های پس‌انداز در بانک‌های تجاری در قبال دریافت سود بانکی، متوقف شده است. نمایندگان مجلس در طرح پیشنهادی، بر موضوع جذب نقدینگی موجود در کشور جهت افزایش ظرفیت پالایشی، حساب ویژه‌ای کرده‌اند.

## طرح افزایش ظرفیت پالایشگاه‌های میعانات گازی و نفت خام با استفاده از سرمایه‌گذاری مردمی راهبردی برای هدایت نقدینگی به سمت تولید داخلی

در این راستا، طرح افزایش ظرفیت پالایشگاه‌های میعانات گازی و نفت خام با استفاده از سرمایه‌گذاری مردمی توسط بختیار، عضو کمیسیون انرژی، تهیه شد و با امضای ۴۲ نفر از نمایندگان از جمله چندین نفر از اعضای کمیسیون انرژی، به هیئت رئیسه مجلس تقدیم شد که کلیات و جزئیات این طرح در کمیسیون انرژی، تصویب شده و در انتظار طرح در صحن علنی مجلس است.



## شهید سید محمد حسین بهشتی

شهید سید محمد حسین بهشتی در دوم آبان ۱۳۰۷ هجری شمسی در اصفهان چشم به جهان گشود. پدرش از روحانیان اصفهان و امام جماعت مسجد لبنان بود. وی از چهار سالگی به مکتب رفت و در اندک زمانی قرائت قرآن و خواندن و نوشتن را آموخت و با ورود به دبیرستان به دلیل علاقه به تحصیل علوم دینی، مدرسه رارها و در سال ۱۳۲۱ وارد حوزه علمیه شد. به سال ۱۳۲۵ یعنی در هجدهمین بهار زندگی خود به قم عزیمت کرد و در کنار تحصیل علوم دینی، در سال ۱۳۲۷ موفق به دریافت دیپلم ادبی در امتحانات متفرقه شد. در همان سال، وارد دانشکده الهیات معقول و منقول شد و در سال ۱۳۳۰ با دریافت درجه لیسانس به قم بازگشت و در دبیرستان حکیم نظامی مشغول تدریس زبان انگلیسی شد. در سال ۱۳۳۱ ازدواج نمود که حاصل این پیوند، دو پسر و دو دختر بود. وی در سال ۱۳۳۳، دبیرستان دین و دانش قم را تأسیس نمود و تا سال ۱۳۴۲ سرپرستی آن را برعهده داشت. در فاصله سال های ۱۳۳۵ تا ۱۳۳۸، دوره دکترای فلسفه الهیات را گذراند سپس، با شرکت فعال در مبارزات سال های ۴۱ و ۴۲ از سوی ساواک مجبور به عزیمت از شهر قم به تهران گردید. این شهید راست قامت تاریخ به پیشنهاد و درخواست آیت الله حائری رحمه الله و آیت الله میلانی رحمه الله به هامبورگ عزیمت و سرپرستی مسجد و تشکل مذهبی جوانان آن شهر را عهده دار و به فعالیت های عمیق دینی و فرهنگی پرداخت. در طی این مدت سفرهایی به عربستان، سوریه، لبنان، ترکیه و عراق (به منظور دیدار امام رحمه الله) انجام داد. سرانجام در سال ۱۳۴۹، به ایران بازگشت و به فعالیت های علمی، فرهنگی و سیاسی روی آورد. در این مدت، چندین بار توسط ساواک دستگیر و روانه زندان شد. در آذرماه ۱۳۵۷ به فرمان امام خمینی رحمه الله شورای انقلاب را تشکیل داد و پس از پیروزی انقلاب اسلامی همواره به عنوان ایدئولوگ و لیدر در صحنه های سیاسی، اجتماعی به فعالیت می پرداخت. حزب جمهوری اسلامی را با هدف تربیت و شناسایی نخبگان سیاسی فرهنگی پایه گذاری نمود. در تدوین قانون اساسی به عنوان نایب رئیس مجلس خبرگان ایفای نقش می کرد. پس از استعفای دولت موقت در سال ۱۳۵۸، مدتی به عنوان وزیر دادگستری و سپس، از سوی امام خمینی رحمه الله به ریاست دیوان عالی کشور منصوب گردید. وی سرانجام در حین انجام وظیفه در این سمت بود که در شامگاه ۷ تیر سال ۱۳۶۰ در حین سخنرانی در تالار حزب جمهوری اسلامی بر اثر انفجار ساختمان حزب توسط منافقین به همراه کاروان ۷۲ نفره خود به شهادت رسیدند.

از مهم ترین آثار شهید بهشتی می توان به موارد زیر اشاره کرد:

آموزش مواضع، از حزب چه می دانیم، بانکداری و قوانین مالی اسلامی، ربا در اسلام، خدا از دیدگاه قرآن، محیط پیدایش اسلام، بهداشت و تنظیم خانواده، حق و باطل، اقتصاد اسلامی، ویژگی های انقلاب اسلامی

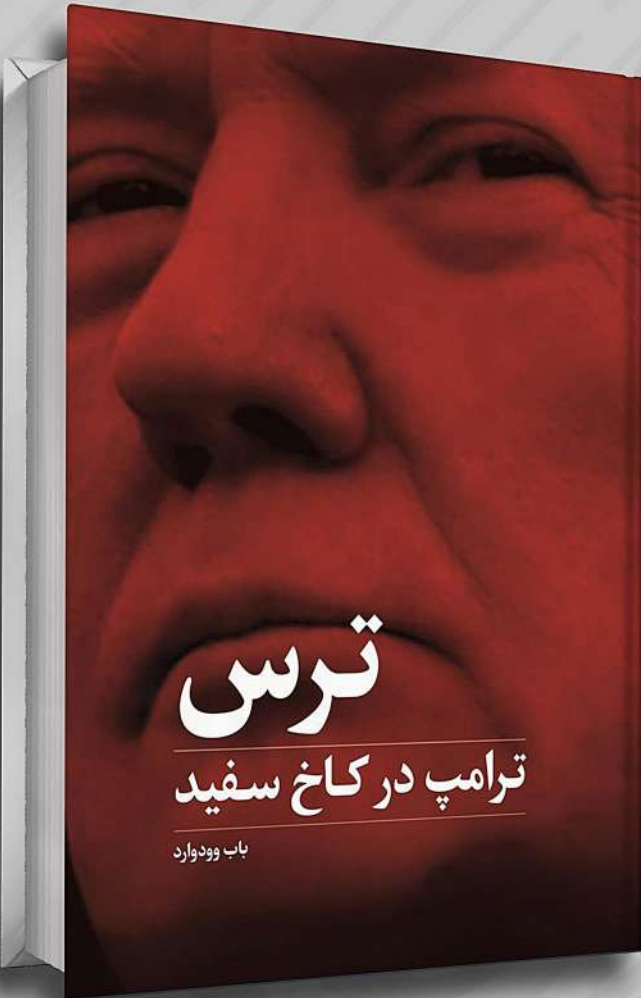
# ترس: ترامپ در کاخ سفید

معرفی کتاب ترس: ترامپ در کاخ سفید:

جزئیات بی سابقه‌ای از زندگی تأسف بار و تأمل برانگیز داخل کاخ سفید دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا را فاش می‌کند و به این مسئله می‌پردازد که او چطور درباره‌ی سیاست‌های مهم داخلی و خارجی تصمیم می‌گیرد.

ترامپ از این کتاب جنجالی که جزئیات اختلافات درون کاخ سفید را فاش می‌کند، به عنوان "جوک" یاد کرده است. «ترس» مطالبی تکان دهنده از مشروح مذاکرات بین وکلای ترامپ و رابرت مولر، بازررس ویژه تحقیقات درباره‌ی روسیه را بیان کرده و برای نخستین بار جزئیات این مذاکرات را فاش می‌کند. نشان می‌دهد چگونه مقامات ارشد دولت همگام با یکدیگر، نامه‌ها را از روی میز رئیس جمهور می‌دزدند تا اطلاعاتی حساس به مخاطره نیفتند. نقل قول‌هایی که از ترامپ در کتاب وودوارد، روزنامه‌نگار تحقیقی سرشناس آمریکایی آمده است، نشان می‌دهد رئیس‌جمهوری آمریکا به اعضای کابینه‌اش توهین می‌کند؛ دادستان کل آمریکا را "عقب مانده ذهنی" می‌داند و رئیس دفتر سابق کاخ سفید را "موش کوچولو" خطاب کرده بود.

در بخشی از کتاب ترس: ترامپ در کاخ سفید می‌خوانیم:



ترامپ رئیس جمهور منتخب یک هفته بعد از انتخابات، ژنرال چهار ستاره بازنشسته جک کین را به برج ترامپ دعوت کرد

تا با او برای تصدی پست وزارت دفاع مصاحبه کند. ترامپ گفت: «شما انتخاب اول من هستید.»

کین ۷۳ ساله که معمولاً در تلویزیون فاکس حاضر می‌شد و از مشاوران نزدیک معاون رئیس جمهور سابق دیک چنی بود پیشنهاد ترامپ را رد کرد. بدهی‌های مالی به خاطر مراقبت از همسرش که به تازگی در گذشته بود قبول این پست را برایش غیرممکن می‌ساخت. در طول ملاقات یک ساعته‌شان او درباره‌ی اوضاع دنیا و مسائل دیگر ترامپ را راهنمایی کرد.

او گفت: «آقای رئیس جمهور منتخب! کنگره، افکار عمومی و کابینه شما درگیر مسائل داخلی خواهند بود. این در امنیت ملی و سیاست خارجی همان مسیری است که باید دنبال کنید. مسائل جهانی برای خودشان مسیری دارند که از شماره ۱۶۰۰ خیابان پنسیلوانیا می‌گذرد و می‌توانید در هر لحظه به آن‌ها دسترسی داشته باشید.»

«اشتباهات در سیاست‌گذاری‌های داخلی مکانیسم اصلاحی دارند. شما می‌توانید از نو شروع کنید. در امنیت ملی چنین مکانیسمی وجود ندارد. وقتی اشتباهی می‌کنید پیامدهای وخیمی خواهد داشت.» به اعتقاد او رئیس جمهور اواما در این دنیای خطرناک بسیار ترسو بود. «در واقع، ما با فعالیت یا کم کاری، ثبات قسمتهایی از دنیا را به هم خواهیم ریخت و مشکلات زیادی پدید خواهیم آورد.» کین هشدار داد.



راه های ارتباطی



TalatomeDouran@Gmail.com



ادمین تلگرام : @Talatome\_er    کانال تلگرام: @Talatome\_Douran



Politics\_Knowledge



TalatomeDouran\_mag

دانش علوم سیاسی را در کانال تلگرام و پیج اینستاگرام دنبال کنید.